



معرفت حضرت سید الشہداء

علیہ السلام

محمد تقی صرفی پور

## مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و  
صلوات بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت  
طاهرینش.

امام حسین (علیه السلام) شخصیت بی نظیر عالم خلقت  
است که در خداشناسی و در انسان شناسی خیلی روی  
بشریت تاثیر گذاشته اند و این تاثیر تا روز قیامت ادامه  
دارد.

امام حسین (علیه السلام) با حماسه عظیم خود در کربلا  
درسهای بزرگی به بشریت دادند و توانستند آموزگار  
بشریت بشوند.

امام حسین (علیه السلام) عده زیادی را هدایت کردند و هدایت می کنند. بسیاری از انقلابات علیه حکام بنی امیه و بنی عباس و دیگر پادشاهان ظالم حتی قیامهای مردم هندوستان علیه استعمار پیر انگلیس و کشورهای دیگر، برگرفته از قیام حسینی بوده است .

و همان گونه که پیامبر خدا ص فرمودند . حقیقتا حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات هستند.

منزلگه عشاق دل آگاه حسین است.. بیراهه نرو ساده ترین راه حسین است  
از مردم گمراه جهان راه مجوید.....نزدیکترین راه به الله حسین است

مردم ایران حقیقتا عاشق حسین (علیه السلام) و علمدارش حضرت قمر بنی هاشم و خواهر قهرمانش زینب کبری هستند. و در این مورد در بین ملتهای مسلمان نمونه می باشند.

. بقول شاعر:

عالم همه قطره و دریاست حسین....خوبان همه بنده و مولاست حسین.

لذا هر چقدر درباره حسین (علیه السلام) کتابها نوشته شود و مطالب گفته شود کم است.

ما در این کتاب به پنجاه مطلب درباره امام حسین (علیه السلام) و عظمت آن حضرت اشاره نموده ایم. امید است خوانندگان عزیز استفاده بفرمایند.

پاییز 96-کرمانشاه

## امام زمان (علیه السلام) جواب سوال بحر العلوم را داد

1. سید بحر العلوم به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه راجع به این مسأله، که چرا گریه بر امام حسین (علیه السلام) گناهان را می آمرزد، فکر می کرد.

همان وقت متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد. بعد پرسید

جناب سید درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟

اگر مسأله ای علمی است بفرمایید شاید من هم اهل  
باشم؟

سید بحر العلوم عرض کرد

در این باره فکر می کنم که چطور می شود خدای  
تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان بر  
حضرت سید الشهداء (علیه السلام) می دهد؛

مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می دارند،  
ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملشان نوشته  
می شود

و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره  
شان آمرزیده می شود؟

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن

من برای شما مثالی می آورم تا مشکل حل شود.

سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می رفت

در شکارگاه از لشگریانش دور شد و به سختی فوق

العاده ای افتاد و بسیار گرسنه شد

خیمه ای را دید و وارد آن خیمه شد در آن سیاه

چادر، پیرزنی را با پسرش دید. آنان در گوشه خیمه

عُنیره ای داشتند (بز شیرده) و از راه مصرف شیر این

بز، زندگی خود را می گرداندند



وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی به خاطر پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند.

سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و به هر طوری که بود خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد.

در نهایت از ایشان سوال کرد

اگر من بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حضار گفت

به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزرا بود،  
گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر  
گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید. سلطان گفت  
هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و  
تخت را هم بدهم آن وقت، مقابله به مثل کرده ام.  
چون آنها هر چه را که داشتند به من دادند  
من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر  
به سر شود

بعد سوار عرب به سید فرمود

حالا جناب بحر العلوم، حضرت سیدالشهداء (علیه

السلام) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و

دختر و خواهر و سر و پیکر داشت همه را در راه  
خدا داد

پس اگر خداوند به زائرین و گریه کنندگان آن  
حضرت این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب  
نمود؛ چون خدا که خدایش را نمی تواند به سید  
الشهداء (علیه السلام) بدهد؛

پس هر کاری که می تواند، آن را انجام می دهد؛  
یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خود امام  
حسین (علیه السلام)، به زوار و گریه کنندگان آن  
.حضرت، درجاتی عنایت می کند

در عین حال اینها را جزای کامل برای فداکاری آن  
حضرت نمی داند.

چون شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر  
سید بحرالعلوم غایب شد.<sup>۱</sup>

راه رسیدن به خدا از کجا می گذرد؟

2. مرحوم سید علی قاضی عارف کامل فرمود:

محال است انسان بجز از راه سیدالشهدا (علیه السلام) به  
مقام توحید برسد . شریان فیوضات و خیرات از  
مسیر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است . پیشکار این

---

۱. العبقری الحسان، ج 1، ص 119

فضیلت هم حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس  
علیه السلام است.»<sup>۱</sup>

### چرا مومنین را به طرف بهشت می کشانند؟

3. حضرت آیت الله شیخ بشیر نجفی از مراجع تقلید  
نجف اشرف در جمع طلاب حوزه علمیه نجف با  
ذکر نکته ای زیبا از اثرات محبت اهل بیت (علیهم السلام)  
گفت: چند سالی بود که معنی و تفسیر آیه 73 سوره  
زمر، «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» یعنی  
مومنان را به سمت بهشت می کشند، مرا به خود  
مشغول کرده بود.

وی افزود: از خود پرسیدم در این آیه چرا گفته شده

---

سید علی قاضی و شاگردانش<sup>1</sup>

به سمت بهشت می کشند. تمام کتب و تفاسیر مختلف را دیدم و نتیجه ای حاصل نشد تا اینکه به روایتی از امام صادق (علیه السلام) در بحار الانوار برخورد کردم که می فرمایند «مومنان و دوستان سید الشهداء (علیه السلام) در روز حساب از خدا می خواهند قبل از ورود به بهشت مولایشان حسین را ملاقات کنند

این مرجع تقلید تصریح کرد: در ادامه این روایت آمده است که «امام به دیدار محبان می آید، این ملاقات بسیار طولانی می شود». امام صادق (علیه السلام) می فرمایند که هر دو طرف غرق تماشا هستند و هیچکدام چشم بر نمی دارند نه امام، محبان خود را رها می کند نه دوستان سیدالشهداء (علیه السلام) از مولای

خود دل می بُرند

حضرت آیت الله نجفی گفت: در این روایت بود که تفسیر آیه 73 سوره زمر را متوجه شدم. ملاقات میان امام حسین (علیه السلام) و محبانش آنقدر طولانی می شود که خداوند به ماموران بهشت می فرماید این مومنان و دوستان حسینیم (علیه السلام) را به طرف بهشت بکشید تا ملاقات پایان یابد. و این نشان از زیبایی محبت امام حسین (علیه السلام) در قلوب محبان آن حضرت است<sup>1</sup>

شب بیست و یکم و شب بیست و سوم چکار می کردی؟

---

1 <http://vista.ir/news/22386496>

4. فردی از اصحاب حضرت صادق (علیه السلام) خدمت امام رسیدند و حضرت فرمودند: شب بیست و یکم و شب بیست و سوم چکار می کردی؟ عرض کرد خواب بودم. مگر خبری بود؟ حضرت فرمودند: خوب این شب‌ها، شب بیداری و عبادت است. عرض کرد من خواب بودم. حضرت فرمودند نه تو یک کاری کردی که از همه برتر بود. گفت یادم نیست. فرمودند: تشنه بودی و از خواب بیدار شدی. ظرف آب را که برداشتی یاد تشنگی امام حسین (علیه السلام) افتادی. یک قطره اشک از چشمت چکید. آن یک قطره اشکی که از سر اخلاص تمام و بی هیچ



چشم‌داشتی از چشمانت چکید از تمام اعمالی که آن  
شب دیگران انجام دادند، برتر بود.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و غبار آلود نزد قبر امام  
حسین (علیه السلام) تا روز قیامت بر آن حضرت می‌گیرند،  
که رئیس آن‌ها فرشته‌ای است که به او منصور  
می‌گویند

و هیچ زائری آن بزرگوار را زیارت نمی‌کند جز این  
که آن فرشتگان به استقبالش می‌آیند

و هیچ زائری با آن حضرت وداع نمی‌کند، جز این  
که آن فرشتگان، او را بدرقه مینمایند

و هیچ زائری نمی‌میرد، جز این که آن ملائکه بر  
جنازه اش نماز می‌خوانند و برای او بعد از مرگش<sup>1</sup>  
آمزش می‌طلبند

داستان مردی که به زیارت امام حسین (علیه  
السلام) نمی‌رفت

5. شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای  
معلی به این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا ساکن  
شد و در این مدت داخل حرم مطهر نشده بود و هر

---

کامل الزیارات<sup>1</sup>

وقت زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) را اراده می‌کرد، بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می‌کرد و او را زیارت می‌نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند.

سید مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت (علیهم السلام) این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای دور می‌باشند و دستشان به حرم مطهر نمی‌رسد.

آن مرد چون این سخن را شنید گفت: «ای نقیب  
الاشرف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا  
از رفتن معذور دار.

هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار  
ناراحت شد و گفت: «من که برای مال دنیا این سخن  
را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و زشت می‌دانم و  
نهی از منکر واجب است.

وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه سردی از جگر پر  
دردش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت  
کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار  
از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و

گریان متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در  
. صحن مطهر رسید

نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را  
بوسید. سپس برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی  
که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر  
خود می لرزید و با رنگ و روی زرد، همانند کسی که  
یک سوم روحش خارج گشته باشد، حرکت می کرد تا  
این که وارد کفش کن شد. دوباره سجده شکر به جا  
آورد و زمین را بوسید و برخاست و مانند کسی که در  
حال احتضار باشد داخل ایوان مقدس گردید و با  
سختی تمام خود را به در رواق رسانید.

چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک بر  
آورد و مانند زن بچه مرده، ناله جانسوزی کشید. سپس  
به آوازی دلگداز گفت: «أَهَذَا مَصْرَفٌ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا  
مَقْتُلُ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ؟ ؛ آیا اینجا جای افتادن امام حسین  
علیه السلام است؟ آیا اینجا جای کشته شدن حضرت  
«سیدالشهداء است؟»

پس فریاد کشید و نقش زمین شد و جان به جان آفرین  
۱. تسلیم نمود و به شهیدان راه حق پیوست

**امام هادی (علیه السلام) برای شفای بیماری خود  
فرمود بروید کربلا برایم دعا کنید!**

**6. ابوهاشم جعفری می گوید:**

---

۱. داستان های علوی، ج 4، ص 210<sup>1</sup>

همراه «محمد بن حمزه» به عیادت امام هادی (علیه السلام) که بیمار بود رفتیم. امام (علیه السلام) فرمود با مال من گروهی را به «حائر حسینی» بفرستید تا برای شفای من دعا کنند

ما از نزد امام خارج شدیم. محمد بن حمزه خطاب به من گفت: ما را (برای دعا) به حرم امام حسین (علیه السلام) می فرستد، در حالی که خود او (در شأن و مرتبت) همچون صاحب حرم است

برگشتم و سخن او را برای امام (علیه السلام) بازگفتم. فرمود: مطلب آنگونه که او می پندارد نیست. خداوند جایگاههایی دارد که دوست دارد در آن

جایگاهها عبادت شود و «حائر حسینی» از جمله این  
(22) مکانهاست<sup>۱</sup>

**حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند**

7. در ارتباط با ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) از  
امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است

اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حسین بن  
علی (علیه السلام) چه اجر و ثوابی است، حتماً از شوق و  
ذوق قالب تهی می کردند و به خاطر حسرت‌ها  
نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد

---

<sup>1</sup> کامل الزیارات، باب 90، ص 273.



راوی می گوید گفتم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی است؟

حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می نویسد، اجر و ثواب هزار شهید از شهدای بدر، اجر هزار روزه دار، ثواب هزار صدقه قبول شده، ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم،

نگهدارش باشد. اگر در اثناء سال فوت کرد  
فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را  
غسل داده، کفن نموده، برایش استغفار و طلب  
آمرزش کرده، تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار  
طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد  
کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و  
ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و  
برایش دری به بهشت می‌گشایند و کتابش را به  
دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی  
داده می‌شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن  
روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند

این کسی است که از روی شوق و ذوق امام  
حسین (علیه السلام) را زیارت کرده، و پس از این نداء،  
احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آن که تمنا و  
آرزو می کند که کاش از زوَّار حضرت ابا عبد الله  
1. الحسين (علیه السلام) می بود

### قداست زمین کربلا

8. مقدس اردبیلی وقتی به کربلا می رفت در آنجا  
نجاست و مدفوع خود را در مشکی جمع کرده سپس

به خارج چهارفرسخی کربلا رفته دفن می نمود. علت را پرسیدند گفت چهارفرسخ در چهارفرسخ حرم حسین (علیه السلام) است من حاضر نیستم که در این مکان مقدس نجاست وارد کنم.<sup>۱</sup>

### اینجا وزارت فرهنگ است

9. یکبار من (فرزند ایه الله العظمی شاه آبادی) به خاطر دارم که در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

---

داستانهایی از زندگی علماء<sup>۱</sup>

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید  
علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم  
داشت، فرمودند که زیارت عاشورا را بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت  
عاشورا کرد و در اثر آن صدای گریه و ضجه  
عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت الله  
شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن  
مرد قلدر چاروادار بگو که مانع عزاداری مردم نشود  
و به وزیر فرهنگش هم بگوید که در وزارت  
فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>عارف کامل

## دامنه کوه الوند

10. یکی از علماء با عده‌ای از همراهان شب به دامنه کوه الوند می‌رسند و تصمیم می‌گیرند که شب را در آنجا اطراق کنند. سپس متوجه پیرمردی می‌شوند که در دامنه کوه زندگی می‌کند. نزد او می‌روند و از او علت کوه‌نشین شدنش را می‌پرسند. او می‌گوید که مدتی است میل به عبادت در بیابان و کوه را پیدا کرده لذا چند سال است که در اینجا به عبادت مشغول است. از خاطرات او در این مدت می‌پرسند او جواب می‌دهد که شبی مشغول نماز بودم که ناگاه صدای حیوانات درنده و وحشی راشنیدم. وقتی نگاه کردم دیدم عده‌ای از حیوانات وحشی و اهلی بطرف من می‌آیند. من نماز را تمام کردم و دچار

وحشت شدم. ناگاه دیدم که آنها دور مرا گرفتند  
وسرهای خود را به زمین می‌کوبیدند و ناله  
می‌کردند. من از عمل اینها تعجب کردم ولی بی‌ادم آمد  
که امشب شب عاشورا است و طبق روایات، حیوانات  
هم برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری می‌نمایند.  
من عمامه‌ام را برداشتم و شروع کردم به سر و سینه  
زدن و حسین حسین کردن. ناگاه آنها هم با من هم  
آواز شدند و چند ساعتی به این حالت بود تا کم‌کم  
پراکنده شدند.<sup>۱</sup>

---

داستانهای شگفت<sup>۱</sup>

## مستشرق آلمانی از عزاداری بر حسین (علیه السلام) تعجب می کند

11. مستشرق آلمانی می نویسد : در اقیانوس کبیر در

کشتی نشسته بودم عبورم به اتاقی افتاد دیدم یک  
مرد به تنهائی روی صندلی نشسته و چیزی با خود  
می خواند و اشک می ریزد حس انسان دوستی مرا  
واداشت که از او علت گریه اش را سؤال کنم مبادا  
بر او ظلمی شده باشد که در این حین دیدم حلوائی  
پخته را در ظروف متعدد به مسافرین کشتی هدیه می  
نماید. گفتم: تو کیستی و این حالات چیست؟ گفت:  
من از شیعیان آل محمد (ص) هستم و چون امام ما  
در این روز به شمشیر ستم به خون آغشته و یاران و



اولاد و اصحاب او را هم کشتند من به یاد آن روز  
اشک می ریزم و این غذا را به نذر به پاس قیام خدا  
پسندانه او هدیه می کنم.

پرسیدم نام او کیست و کجا بود؟

گفت: حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا شهید شده  
است.

آنگاه آن مستشرق تحقیقاتی کرده و رساله ای در  
نهضت و قیام حسین (علیه السلام) نوشته است.<sup>۱</sup>

---

1 <http://sarallah.valiasr->

[aj.com/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000003546](http://aj.com/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000003546)

## سلام بر حسین (علیه السلام) قبل نماز

12. ایه الله العظمی سید احمد خوانساری وقتی می خواستند نماز یومیه بخوانند بعد از اذان و اقامه و قبل از تکبیره الاحرام می فرمودند:

### السلام علیک یا ابا عبدالله

سپس تکبیره الاحرام می فرمودند. از ایشان علت این عمل سوال شد فرمود: زیرا ما این نماز را از امام حسین (علیه السلام) داریم. این منبر و مسجد را از امام حسین (علیه السلام) داریم.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> <http://maarefedini.persianblog.ir/post/65/>

## قیام حسینی در بیانات امام خمینی

13. اسلام را تا حالایی که شما می بینید اینجا ما

نشسته ایم، سیدالشهداء علیه السلام زنده نگه داشته

است.<sup>1</sup>

سیدالشهداء کشته شد، مکتبش محفوظ بود، بلکه

مکتب را زنده کرد. با این کشته شدن مکتب را زنده

کرد.<sup>2</sup>

---

صحیفه نور، ج 3، ص 1225

. همان، ج 7، ص 230<sup>2</sup>

شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا،  
سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن  
۱. کریم بود

سیدالشهدا سلام الله علیه، مذهب را بیمه کرد. با عمل  
خودش اسلام را بیمه کرد.<sup>۲</sup>

گمان نکنید که اگر این مجالس عزا نبود و اگر این  
دستجات سینه زنی، و نوحه سرایی نبود، **15** خرداد  
پیش می آمد. هیچ قدرتی نمی توانست **15** خرداد  
را آن طور کند مگر قدرت خون سیدالشهداء و هیچ  
قدرتی نمی تواند این ملتی را که از همه جوانب به

---

همان، ص 1263

همان، ج 10، ص 2216

او هجوم شده است و از همه قدرت های بزرگ  
برای او توطئه چیده اند، این توطئه ها را خشتی کند،  
۱. الا همین مجالس عزا

حضرت امام (ره) فرمود: مکتبی که پایش هیاهو  
۲. نباشد. به سر و سینه زدن نباشد، نمی ماند می میرد

---

همان<sup>۱</sup>

صحیفه \_ امام، ج ۸، ص ۵۲۷<sup>۲</sup>

## مرد ناصبی شیعه شد

14. یکی دیگر از کسانی که به سبب گریه برای امام حسین (علیه السلام) مورد عنایت اهل بیت (علیه السلام) قرار گرفت مردی از اهل تسنن بود که زائر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را به تمسخر می گرفت :

در نزدیکی نجف اشرف در محل تلاقی دو رودخانه  
دجله و فرات آبادی ای است بنام مسیب مردی شیعه  
برای زیارت مولای متقیان امیر المؤمنین علی (علیه  
السلام) از آنجا عبور می کرد و مردی از اهل سنت بر  
سر راه او خانه داشت آن مرد سنی که می دانست  
این مرد شیعه، هر روز به زیارت حضرت علی (علیه  
السلام) می رود او را مسخره می کرد یکبار هم حتی به  
ساحت مقدس آقا امیر مؤمنان (علیه السلام) جسارت  
کرد مرد شیعه خیلی ناراحت شد وقتی، به حرم  
امیر المؤمنین (علیه السلام) مشرف شد خیلی بی تابی کرد  
و ناله زد که تو می دانی این مخالف چه می کند  
پس چرا ادبش نمی کنید؟!

آن شب آقا امیر المؤمنین (علیه السلام) را در خواب دید  
و شکایت کرد آقا فرمودند: او بر ما حقی دارد که  
هر چه بکند در دنیا نمی توانیم او را کیفر دهیم! مرد  
شیعه می گوید: عرض کردم آری، لابد به خاطر  
جسارت هایی که او می کند بر شما حق پیدا کرده  
است؟! حضرت فرمودند: نه او روزی در محل تلاقی  
دجله و فرات نشسته بود و به فرات نگاه می کرد  
ناگهان جریان کربلا و منع آب از حضرت سید  
الشهداء (علیه السلام) به یادش افتاد با ناراحتی به خود  
گفت: عمر سعد کار خوبی نکرد، که اینها را کشت  
کاش به آنها آب می داد و بعد همه را می کشت و  
سپس قطره ای اشک از چشم او ریخت از این جهت



بر ما حقی پیدا کرده است که نمی توانیم او را  
مجازات کنیم آن مرد شیعه می گوید: به محل  
برگشتم سر راه، آن سنی با من برخورد کرد با  
تمسخر گفت: آقایت را دیدی و پیغام ما را به او  
رساندی؟ مرد شیعه گفت: آری پیام را رساندم و از  
او هم پیامی دارم آن مرد سنی خندید و گفت: بگو  
پیامت چیست؟! مرد شیعه جریان را تعریف کرد  
وقتی رسید به فرمایش امیر المؤمنین (علیه السلام) که  
روزی این مرد به آب نگاه می کرد و به یاد کربلا  
افتاد....، مرد سنی سر به زیر افکند و کمی به فکر  
فرو رفت و با خود گفت: خدایا در آن زمان هیچ  
کس در آنجا نبود و آن را به کسی نگفته بودم آقا از

کجا فهمید؟! و بعد از آن سر برداشت و بلافاصله  
گفت: اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله  
و ان عليا امير المؤمنين ولي الله و وصی رسول  
الله

با این شهادت ثلاث، این دشمن اهل بیت از  
دوستان امیر مؤمنان (علیه السلام) و از شیعیان شد.<sup>1</sup>

خلیعی شاعر راهزنی ناصبی که شاعر اهل بیت  
شد

---

اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت - میرزا حسن ابوترابی<sup>1</sup>

15. یکی از داستان هایی که آثار پر برکت قبر امام حسین (علیه السلام) را در حسن عاقبت نشان می دهد داستان «خلیعی شاعر» است

ابوالحسن جمال الدین علی ابن عبد العزیز ابن ابی محمد الخلعی یا، خلیعی یکی از شاعران برجسته و مدیحه سرایان مخلص اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) است که در ابتدا خود و پدر و مادرش ناصبی و از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بودند اما، با عنایت ویژه خاندان اهل بیت (علیهم السلام) راه حق را شناخت و از کرده های بد گذشته خویش توبه کرد. جریان هدایت او را مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدیر چنین بیان فرموده است

خلیعی اهل «موصل» و ساکن «حله» بود، پدر و

مادرش ناصبی بودند. مادرش نذر کرد که اگر خدا به او فرزند پسری عنایت فرماید، او را برای راهزنی و آزار و اذیت و کشتن زائران امام حسین (علیه السلام) سر راه کاروان زائران امام حسین (علیه السلام) بفرستد. خدای متعال به او فرزند پسری داد. این پسر بزرگ شد و به سنی رسید که آن زن می توانست به نذرش ادا کند. موضوع را با فرزندش مطرح کرد و هم خواست مادر را پذیرفت. به بیابانهای منطقه «مسیب» رفت و در کمین زائران امام حسین (علیه السلام) مدتی منتظر ماند تا وقتی کاروانی از زائران امام حسین (علیه السلام) از راه می رسد به آنها حمله کند و نذر مادر را ادا نماید. هنوز کاروان از راه نرسیده بود که خواب بر چشمان او غلبه کرد. قافله زائران امام حسین (علیه السلام)

السلام) از راه رسیدند اما علیرغم سر و صدای کاروان و گرد و غباری که از آمدن آنها به پا شده بود از خواب بیدار نشد. گرد و غبار کاروان لباس و بدن او را هم فرا گرفت. در همان حال «خلیعی» در خواب دید: صحنه قیامت بر پا شده است. فرمان رسید که او را به آتش بیاندازند، او را به میان آتش انداختند اما، گرد و غباری بر بدن و لباس او وجود داشت که او را از سوختن و گرمای آتش، در امان نگه می داشت. در عالم خواب متوجه شد که این گرد و غبار، گرد و غبار کاروان زائران امام حسین (علیه السلام) است که بر بدن و لباس او نشسته است و به برکت آن، او از آتش عذاب الهی در امان مانده است از خواب بیدار شد. فهمید که اشتباهی بزرگ کرده

است. از کرده خود پشیمان شد و از قصد خود بازگشت و همانجا توبه کرد و تصمیم گرفت برای عرض پوزش به کربلا برود. با دلی پر از اضطراب و نگرانی به کربلا رفت و به حرم مقدس امام حسین (علیه السلام) وارد شد و عرض ادب نمود و به خاطر قصد گذشته خود، از درگاه آن حضرت پوزش طلبید و دو بیت سرود که آن دو بیت را یکی از شعرای حله چنین تخمیس کرده است

أرى بحيرةً ملأتهك رينا - و شتتك الهوى بينا فينا  
فطب نفسا و قر بالله عينا - اذا شئت النجاء فزر حسينا  
لكى تلقى الاله قرير عين  
اذا علم الملائك منك عزما - تروم مزاره كتبوك رسما

و حرمت الجحیم علیک حتما - فان النار لیس تمس جسمنا  
علیه غبار زوار الحسین  
ترا حیران می بینم و شک ترا فرا گرفته - و هوای  
نفس ترا آشفته و بینابین قرار داده  
پس دلت را پاک کن و چشم را به خدا روشن دار -  
اگر نجات خواهی، حسین را زیارت کن  
تا خدا را با روشنی چشم دیدار کنی  
اگر فرشتگان بدانند که تصمیم گرفته ای - او را  
زیارت کنی نام تو را می نویسند  
و آتش دوزخ بر تو، قطعا، حرام می شود - چونکه  
آتش نمی رسد به جسمی  
که بر آن غبار زائران حسین است

آری، بدین ترتیب او از دوستان خالص و پاک اهل  
بیت رسالت شد و مورد عنایت و الطاف ویژه آن  
خاندان گرامی (علیهم السلام) قرار گرفت<sup>۱</sup>

### زیارت کربلا آرزوی همه پیامبران

16. امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ پیامبری در  
آسمانها و زمین نیست مگر این که می خواهند  
خداوند متعال به آنان رخصت دهد تا به زیارت امام  
حسین علیه السلام مشرف شوند، چنین است که گروهی  
به کربلا فرود آیند و گروهی از آنجا عروج کنند.<sup>۲</sup>

---

اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت - میرزا حسن ابوترابی<sup>1</sup>

مستدرک الوسائل، ج 10، ص 244، به نقل از کامل الزیارات، ص 211



## راز عزاداری حسینی از اول ماه محرم از زبان امام\_صادق (علیه السلام)

17.

به امام صادق علیه السلام عرض شد: آقای من به فدایتان شوم!...وقتی کسی می میرد یا کشته می شود جلسه نوحه ای برای او می گیرند. ومن مشاهده می کنم که شما و شیعیانتان از اول ماه محرم اقامه جلسه عزا می کنید.

حضرت فرمودند: این چه حرفی است! هنگامی که هلال ماه محرم دمیده می شود ملائکه پیراهن امام حسین (علیه السلام) را آویزان می کنند در حالیکه پاره

پاره شده از ضربه های شمشیر و آغشته به خون  
است؛

ما و شیعیانمان این پیراهن را با چشم دل (و نه با  
چشم ظاهری) می بینیم پس اشک های ما سرازیر  
می شود<sup>1</sup>.

### مجالس حسینی بالاتر از حرم حسینی

18. حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

می فرمایند: «یا بن شیب ان هذه المجالس افضل من  
روضه المبارکه و الحرم مطهر»

---

خصائص الزینیه ص 49 ، ثمرات الاعواد ص 136

امام رضا (علیه السلام) فرمود: ای پسر شیب! این مجالس  
حسینی از روضه مبارکه و حرم مطهر بالاتر است.<sup>۱</sup>  
در توضیح روایت مذکور، شیخ جعفر شوشتری می  
فرماید:

در کتاب خصائص الحسنيه نیز شیخ جعفر شوشتری  
به این موضوع اشاره‌هایی داشته است. ایشان در  
خواص مجالس گریه بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)  
هشت عنوان را ذکر می‌فرماید

اول اینکه در آن احیاء امر ایشان است، و در خبر  
است که هر کس بنشیند در مجلسی که در آن احیای

---

1- جلد ۲ صفحه ۱۲۸ کتاب شریف باب السلام از جناب محدث نوری - استاد شیخ عباس قمی -

امر ائمه است نمیرد دل او روزی که دلها می میرند.  
دوم در آن حال ثواب تسبیح دارد. سوم آن مجالس  
محبوب حضرت صادق (علیه السلام) است به مقتضای  
روایات، پس محبوب خدا و رسول است. چهارم  
محل نظر حضرت حسین (علیه السلام) است زیرا که آن  
جناب در یمین عرش است و نظر می کند به سوی  
کربلا و به زوار و گریه کنندگان. پنجم آنکه ملائکه  
مقربین در آن مجالس حاضر می شوند، چنانکه  
روایت شده است که روزی جعفر بن عفان، به  
خدمت حضرت صادق (علیه السلام) مشرف شد، پس  
حضرت او را به نزدیک خود نشانید، و فرمود: ای  
جعفر شنیده ام که در مرثیه حسین (علیه السلام) شعر

می گویی، و خوب می گویی، عرض کرد: بلی فدایت  
شوم، فرمود: بخوان پس خواند و آن حضرت با  
اصحاب گریستند تا اینکه اشک بر صورت و محاسن  
شریفش جاری گردید، پس فرمود: ای جعفر، و الله  
ملائکه مقربین در اینجا حاضرند و شنیدند اشعار تو  
را، و گریه کردند چنانکه ما گریستیم، بلکه بیشتر، و  
خداوند واجب نمود از برای تو الان تمام بهشت را،  
و گناهان تو را آمرزید، ای جعفر آیا بیشتر بگویم؟  
عرض کرد: بلی، بلی سید من، فرمود: هیچکس  
نیست که ذکر کند حسین (علیه السلام) را پس گریه کند  
یا بگریاند، مگر اینکه بهشت از برایش واجب گردد،  
و گناهانش آمرزیده شود. ششم مجلس عزای قبه‌ی

حضرت حسین (علیه السلام) است زیرا که قبه‌ی آنجناب تنها همان بنیان مخصوص نیست بلکه قبه‌ی او عبارتست از خضوع و خشوع. پس هر مجلسی که مشتمل باشد بر خضوع و خشوع خصوصا از برای ذکر آنجناب، همان قبه آن حضرت است و اجابت دعا در آن خواهد بود. هفتم معراج گریه کنندگان است، زیرا که محل نزول صلوات و رحمت مخصوص الهی است به غفران ذنوب و رفع درجات ایشان، بلکه اگر از برای یک نفر متحقق شود بکا یا تباکی، امید هست که رحمت تمام اهل مجلس ما را

شامل شود. هشتم اینکه آن نظیر مجالسی است که اشرف و اقدم و اجل همه‌ی مجالس بوده اند.<sup>۱</sup>

### نزدیک بود کور شوم

19. علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) فرمود:

در دوازده سالی که نجف بودم، به جز عاشورا، هیچ روزی درس را تعطیل نکردم. یک سال عاشورا درس را تعطیل نکرده بودم که به چشم درد شدیدی گرفتار شدم! طوری که نزدیک بود کور شوم. از

عظمت امام حسین (علیه السلام) ترسیدم و از آن پس

<sup>1</sup>. تصمیم گرفتم روز عاشورا را تعطیل کنم

مرثیه امام زمان (علیه السلام) در مصیبت جدش

20. امام زمان (علیه السلام) در مصیبت جدش در زیارت

ناحیه مقدسه، چنین می فرماید:

فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
آلِهِ ،

پس پیک مرگ نزد قبر جدّت رسول خدا «که رحمت  
خدا بر او و آل او باد» ایستاد،



فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالْدمِّعِ الْهَطُولِ ،

وبا اشکِ ریزانِ خبرِ مرگِ تورا به وی داد،

قَاتِلَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ ، وَاسْتَبِيحَ  
أَهْلُكَ وَحِمَاكَ ،

و گفت: ای رسولِ خدا! دخترزاده جوانمردت شهید  
شد، خاندان و حریمتِ مباحِ گردید،

وَ سُبَيْتَ بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ ، وَ وَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِثْرَتِكَ  
وَ ذَوِيكَ ،

پس از تو فرزندانِ به اسیری رفتند، و  
وقایعِ ناگواری به عترت و خانواده ات وارد شد،

فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ ، وَ بَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ ،

پس (از شنیدن این خبر) رسول خدا پریشان گردید،  
و قلبش مضطرب بگریست،

وَ عَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ ، وَ فُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ  
الزَّهْرَاءُ ،

و فرشتگان و انبیاء او را تعزیت گفتند، و مادرت  
زهراء (از مصیبت تو) اندوهناک شد،

وَ اخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، تُعْزِي أَبَاكَ  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ،

ودسته های ملائکه مقربین در آمدوشد بودند، پدرت  
امیرمؤمنان را تعزیت میگفتند،

وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَآتَمُ فِي أَعْلَى عَلِيِّينَ،

مجالس ماتم و سوگواری برای تو در اعلاعلیین برپا  
شد،

وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ،

و حورالعین به جهت تو به سر و صورت زدند،

وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَ سَكَّانُهَا، وَ الْجَنَانُ وَ خُزَانُهَا، وَ  
الْهَضَابُ وَ أَقْطَارُهَا،

(در عزای تو) آسمان و ساکنانش، بهشت ها و  
نگهبانانش، کوه ها و کوهپایه ها،

وَالْبَحَارُ وَحَيَاتُهَا، وَالْجَنَانُ وَلِدَائُهَا،

دریا ها و ماهیان، فردوس ها و جوانانش،

وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ،

کعبه و مقام ابراهیم، و مشعرالحرام، و حلّ و حرّم  
جملگی گریستند،

انسان می تواند خودش به تنهایی بنشیند گریه  
کند

21. استاد سید محمد مهدی میر باقری فرمودند

بُکا بر سیدالشهدا (علیه السلام) مجلس عظیمی  
نمی خواهد! انسان می تواند خودش به تنهایی بنشیند  
گریه کند

بزرگی شنیده بود که مرحوم ملا آقا دربندی  
نماز شب های عجیبی می خواند. یک شب ایشان را  
دعوت کرد و تا دیروقت نگه داشت. دیروقت که  
شد، گفتند: آقا همین جا استراحت کنید! ایشان  
استراحت کرد. هنگام نماز شب مشاهده کردند که  
چند ساعت به اذان برخاست و در بسترش نشست و

گفت: "السلام علیک یا ابا عبدالله، حسین جان تو را کشتند..." این را گفت و شروع کرد به گریه کردن و متصل گریه کرد. رفت وضو گرفت؛ گریه کرد. آمد و نشست؛ گریه کرد. همینطور گریه کرد تا اینکه اذان گفتند و بعد برخاست و نماز صبحش را خواند نه اینکه ما همیشه باید همین کار را بکنیم؛ بلکه هم باید نماز شب خواند و هم برای سیدالشهداء (علیه السلام) گریه کرد.

اما اینگونه گریه کردن احتیاجی به مجلس روضه ندارد.

اگر بتوانیم در منزلمان مجالس روضه برگزار کنیم،  
بهتر است؛ چرا که این روضه‌های هفتگی منزل و  
خانواده انسان را بیمه کرده و دست شیطان را از  
منزل ما قطع می‌کند؛ اما اگر نشد، خودمان بنشینیم و  
برای امام حسین (علیه السلام) گریه کنیم<sup>۱</sup>

ماجرای قربانی دادن حضرت ابراهیم (علیه السلام) و  
گریه برای امام حسین (علیه السلام)

22.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند هنگامی که حق تعالی  
حضرت ابراهیم (علیه السلام) را امر فرمود که به جای  
فرزندش حضرت اسماعیل (علیه السلام)، بره ای را

---

۱. کابر حید الشهدا - ع مجلس / <http://blog21.kowsarblog.ir>

که برایش فرستاده بود قربانی نماید، حضرت ابراهیم  
(علیه السلام) غمگین شد و به درگاه خداوند عرضه  
داشت بار پروردگارا، ای کاش فرزندم اسماعیل (علیه  
السلام) را به عنوان قربانی از من قبول می نمودی تا  
هدیه ای ناقابل در محضر حضرتت تقدیم کرده بودم  
و به سبب صبر در مصیبت از دست دادن فرزند در  
نزد تو مقرب تر می گشتم

پس خداوند به سوی حضرت ابراهیم (علیه السلام) وحی  
فرستاد که ای ابراهیم (علیه السلام)، از میان مخلوقاتم چه  
کسی را بیشتر دوست داری؟



حضرت ابراهیم (علیه السلام) عرض کرد پروردگارا،  
احدی را بیشتر از حبیب تو حضرت محمد مصطفی  
(صلی الله علیه و آله و سلم) دوست تر ندارم

پس به سویش وحی شد آیا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)  
را بیشتر دوست داری یا خودت را؟

حضرت ابراهیم (علیه السلام) عرضه داشت او را از  
خودم هم بیشتر دوست دارم

وحی شد آیا فرزند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را  
بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟

حضرت ابراهیم (علیه السلام) عرضه داشت بلکه فرزند  
او را

پس به سویش وحی شد آیا قربانی شدن فرزند او به  
دست دشمنانش از روی ظلم تو را بیشتر ناراحت  
می سازد یا قربانی شدن فرزند خود به دست خودت  
در راه اطاعت امر من؟

حضرت ابراهیم (علیه السلام) گفت بلکه قربانی شدن  
فرزند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بر دست دشمنان،  
دل را بیشتر به درد می آورد.

پس حق تعالی فرمود بدان ای ابراهیم (علیه السلام) ، در  
آینده می آیند گروهی که ظاهراً از امت محمد (صلی  
الله علیه و آله و سلم) هستند و ظالمانه و نامردانه فرزند او،  
حسین بن علی (علیه السلام) را مظلومانه همچون برّه ای  
سر می برند و به این کارشان خوشحالی نمایند.

وقتی حضرت ابراهیم (علیه السلام) این قضیه را شنید،  
نالای زد و فریاد او بلند شد و دل او به درد آمد و  
شروع کرد به گریه کردن

پس از جانب حق تعالی خطاب رسید ای ابراهیم  
(علیه السلام)، به خاطر این ناله و گریه ای که بر حسین  
(علیه السلام) زدی، پاداشی همچون بریدن سر اسماعیل  
(علیه السلام) به تو عطا می کنم و مقامی بالاتر از مقامی  
را که در راه از دست دادن او صبر بر مصائب او به  
تو می رسید برایت در نظر می گیرم و ای ابراهیم  
(علیه السلام)، بدان به خاطر این گریه ای که بر مصیبت  
قتل حسین بن علی (علیه السلام) نمودی، بر ذات خودم

واجب نمودم که تو را به بلندترین درجات کسانی

که به آنها ثواب داده ام برسانم

و این است معنی قول خدای عظیم الشان در سوره

صافات آیه ۱۰۷

و فدیناه بذبح عظیم» یعنی و فدا نمودیم و بخشیدیم

سر بریدن اسماعیل را بر ابراهیم به خاطر ذبحی

عظیم تر.

1

## قالب\_تهی\_کردن در اثر مصیبت امام حسین علیه السلام

23. در روایت صحیحہ کامل زیارات وارد شدہ

:است کہ حضرت اباذر نقل فرمودند

إِنَّكُمْ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يُدْخِلُ عَلَى أَهْلِ الْبَحَارِ وَ سَكَّانِ  
الْجِبَالِ فِي الْغِيَاضِ وَالْآكَامِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ مِنْ قَتْلِهِ  
لَبَكَيْتُمْ وَاللَّهِ حَتَّى تَزْهَقَ أَنْفُسُكُمْ» ۱

اگر شما می دانستید کہ از مصیبت امام حسین (علیه السلام)، چه چیز بر اهل دریاها و ساکنین کوه ها در

جنگل ها و تپه ها وارد خواهد شود، والله آنقدر می

<sup>1</sup>گریستید که جان هایتان از سینه بیرون می آمد

نتیجه سیاه پوشیدن برای آقا امام حسین علیه السلام

24. یکی از نمایندگان حضرت آیت الله ابوالقاسم

خوئی رحمت الله علیه می گوید

یک سالی در ایام محرم و صفر در نجف اشرف

خدمت ایشان رسیدم و در آن گرمای شدید ایشان را

درحالی دیدم که از سرتاپایشان سیاه پوش بود، حتی

جوراب های ایشان نیز سیاه بود.

---

بحار الأنوار: ۲۱۹/۴۵ کامل الزیارات: ۷۳-<sup>1</sup>

من درحالی که تعجب کرده بودم و نگران حال

ایشان بودم از آقا سوال کردم

فکر نمیکنید با این وضعیت سرتاپا سیاه پوش در این

هوا، ممکن است مریض و یا گرمازده شوید؟؟

ایشان در پاسخ فرمودند: فلانی من هر چه دارم از

سیاه پوشی سرتاپا برای حضرت سیدالشهداء علیه

السلام دارم

پرسیدم: چطور؟

فرمود: بنشین تا برایت تعریف کنم

پدر من مرحوم حاج سیدعلی اکبر خوئی از وعاظ و

منبری های معروف زمان خود بود. همسرش که مادر

من باشد هرچه از ایشان باردار میشد پس از دو سه ماه بارداری بچه اش سقط میشد و خلاصه بچه دار نمیشدند.

روزی پدرم بالای منبر این جمله را به مردم می‌گوید:.... که ایها الناس دستتان را از دست امام حسین و اهلبیت علیهم السلام رها نکنید که اینها خاندان کرامت و بخشش اند، و هر حاجت یا مشکل بزرگی که دارید جز درب خانه ی ایشان جای دیگری.... نروید که این خانواده حلال مشکلات اند

پس از آنکه پدرم از منبر پائین می آید زنی به او میگوید آسیدعلی اکبر شما که به ما سفارش میکنید چرا خودتان متوسل نمیشوید تا بچه دار شوید؟



پدرم این حرف را به مادرم بازگو میکند،

مادرم می‌گوید خب راست گفته، چرا خودت چیزی

نذر امام حسین علیه السلام نمی‌کنی تا حضرت عنایتی

فرموده و ما نیز بچه دار شویم؟

پدرم می‌گوید: ما که چیزی نداریم تا نذر کنیم؟

مادرم در جواب می‌گوید حتما لازم نیست چیزی

داشته باشیم تا نذر کنیم، اصلا شما نذر کن که

امسال تمام 2 ماه محرم و صفر را برای امام حسین

علیه السلام از سر تا پا، حتی جوراب و کفشتان هم سیاه

باشد و سیاه بپوشید

در آن سال پدرم به این نذر عمل کرد و از اول  
محرم تا پایان ماه صفر سرتاپا سیاه پوش شد. در  
همان سال هم مادرم باردار میشود و 7 ماه نیز از  
بارداری اش میگذرد و بچه اش سقط نمی شود

یک شبی یکی از طلبه ها که از شاگردان پدرم بوده  
در آخر شب درب منزل ایشان می آید

وقتی پدرم درب را باز می کند پس از سلام و احوال  
پرسی عرض می کند که من یک سوال دارم

پدرم می گوید بپرس

طلبه می پرسد آیا همسر شما باردار است؟

ایشان با تعجب می گوید بله، تو از کجا می دانی؟

ناگهان آن طلبه شروع به گریه کردن میکند و  
می گوید: آسیدعلی اکبر من الان خواب بودم، در  
خواب وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را  
زیارت کردم.

حضرت فرمودند: برو و به آسیدعلی اکبر خوئی بگو  
که بخاطر آن نذری که برای فرزندم حسین کردی و  
2 ماه از سرتاپا سیاه پوشیدی این بچه ای را که 7  
ماه است همسرت در رحم دارد را ما حفظ میکنیم و  
او سالم میماند و ما او را بزرگ میکنیم و او را فقیه  
و عالم در دین میگردانیم و به او شهرت میدهیم  
...و او را به نام من "ابوالقاسم" نام بگذار

حالا فهمیدی که من هرچه دارم از سیاه پوشی

<sup>1</sup> سرتاپایی دارم؟

معجزه حضرت رقیه (سلام الله علیها)

25- مرحوم آیت الله سید هادی خراسانی

نیز در کتاب معجزات و کرامات ماجرای را نقل می

کند که مؤید قضیه فوق است و می نویسد: روی

پشت بام خوابیده بودیم که مار دست یکی از

خویشاوندان ما را گزید وی مدتی مداوا کرد ولی

سودی نبخشید. آخر الامر جوانی به نام سید عبد

الحسین نزد ما آمد و گفت کجای دست او را مار

---

1 <http://shohadayekan.ir/post/tag/>

گزیده است؟ چون محل مارگزیدگی را به او نشان داد بلافاصله دستی به آن موضع زد و بکلی محل درد خوب شد سپس گفت من نه دعایی دارم و نه دوايي فقط کرامتی است که از اجداد ما رسیده است، هر سمی که از زنبور یا عقرب یا مار باشد اگر آب دهان یا انگشت به آن بگذاریم خوب می شود. این است که جد ما در شام موقعی که قبر شریف حضرت رقیه سلام الله علیها را تعمیر می کردند جد من بدن مطهره ی این مخدره را سه روز روی دست گرفت تا قبر شریف را تعمیر کردند و از آنجا

این اثر در خود و اولادش نسل بعد از نسل مانده  
است.<sup>۱</sup>

### بهترین دارو و درمان

26. محمد بن مسلم در ضمن حدیثی حکایت کند  
روزی در مدینه بیمار بودم ، امام محمد باقر علیه السلام  
توسط غلامش ظرفی که در آن شربتی مخصوص  
قرار داشت و در پارچه ای پیچیده بود، برایم  
فرستاد

وقتی غلام آن شربت را به من داد، گفتم : مولا و

---

ستاره ی درخشان شام ص 13 به نقل از کرامات و معجزات خراسانی ص 19

سرورم فرموده است : باید برای درمان و علاج  
بیماری خود، آن را بنوشی  
هنگامی که خواستم آن را بنوشم ، متوجّه شدم که  
آن شربت بسیار خوشبو و خنک است  
و چون شربت را نوشیدم ، غلام گفت : مولایم  
فرموده است : پس از آن که شربت را نوشیدی ،  
حرکت کن و نزد ما بیا  
من در فکر فرو رفتم که چگونه به این سرعت خوب  
شدم ؟  
و این شربت چه داروئی بود؟ چون تا قبل از  
نوشیدن شربت قادر به حرکت و ایستادن نبودم  
به هر حال حرکت کردم و به حضور امام علیه السلام  
شرفیاب شدم ؛ و دست و پیشانی مبارک آن حضرت

را بوسیدم ؛ و چون گریه می کردم حضرت فرمود:

چرا گریه می کنی ؟

عرض کردم : ای مولایم ! بر غریبی و دوری مسافت

خانه ام از شما و همچنین بر ناتوانی خویش گریه

می کنم از این که نمی توانم مرتّب به خدمت شما

برسم و کسب فیض نمایم

حضرت فرمود: و امّا در رابطه با ناتوانی و ضعف

جسمانیت ، متوجّه باش که اولیاء و دوستان ما در

این دنیا به انواع بلا و مصائب گرفتار می شوند، و

مؤمن در این دنیا هر کجا و در هر وضعیتی که

باشد غریب خواهد بود تا آن که به سرای باقی

رحلت کند

امّا این که گفتی در مسافت دوری هستی ، پس به



جای دیدار با ما، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برو؛ و بدان آنچه را که در قلب خود داری و معتقد به آن باشی با همان محشور خواهی شد

سپس حضرت فرمود: آن شربت را چگونه یافتی ؟

عرض کردم : شهادت می دهم بر این که شما اهل بیت رحمت هستید، من قدرت و توان حرکت نداشتم ؛ ولیکن به محض این که آن شربت را نوشیدم ، ناراحتیم برطرف شد و خوب شدم

حضرت فرمود: آن شربت دارویی بر گرفته شده از تربت قبر مطهر امام حسین علیه السلام است ، که اگر با اعتقاد و معرفت استفاده شود شفاء و درمان هر دردی خواهد بود<sup>۱</sup>

---

۱. بحارالانوار: ج 101، ص 120، ح 9، اختصاص شیخ مفید، ص 52

## چرا مصیبت امام حسین (علیه السلام) بزرگترین مصیبت است؟

27. مادر موارد مختلفی از زیارات و کلمات ائمه  
معصومین (علیهم السلام) برمی خوریم به اینکه از حادثه  
کربلا، بعنوان بزرگترین مصیبت در عالم هستی از بدو  
خلقت تا روز قیامت، نام برده اند.

باتوجه باینکه حوادث فاجعه باری، بارها و بارها  
برای مسلمین و شیعیان پیش آمده است که  
در ظاهر بعضی از آنها از حادثه کربلا، مصیبت بارتر  
بوده است، سؤال اینست که چرا مصیبت سالار شهیدان  
رأبه این عنوان ذکر کرده اند؟

شاید جواب سؤال این باشد کہ اگر ما در ماہیت  
و کیفیت این حادثہ دقت کنیم، جواب سؤال را پیدا  
نمائیم.

خصوصیات حادثہ کربلا وقتی ہمہ در کنار ہم جمع  
می شوند، واقعاً در نوع خود از جہت مظلومیت  
و مصیبت بار بودن، بی نظیر است.

ما می توانیم چند تا از این خصوصیات را ذکر کنیم:

1- در کربلا حجت خدا و پسر پیامبر اکرم (ص) را شہید

کردند. 2- شہادت او بدست کسانی بود کہ او را

دعوت نمودند تا او را یاری نمایند! 3- پسران و برادران

و دیگر اقوام و یارانش را قبل از او بشہادت

رساندند! 4- کسانی او را شهید کردند که در  
ظاهر مسلمان بودند و نماز می خواندند و خود را پیرو  
جدّ حسین (علیه السلام) می دانستند! 5- مردمی او را شهید  
کردند که کاملاً او را می شناختند و از مقام و منزلت او  
آگاهی داشتند! 6- با اینکه در کنار آب فرات بود ولی  
او را تشنه شهید نمودند و آب را بر کودکان و اهل  
حرمش، بستند! 7- بعد از کشتنش، اموال او را حقی'  
و سایل شخصی او از قبیل انگشتر و نعلین و عمامه  
اش را غارت نمودند! 8- خیمه ها را آتش زدند و اهل  
بیتش را ترسانند و آزار رساندند! 9- اهل بیت او را که  
منسوب به پیامبرشان بود، به اسیری بردند! 10-  
سر مقدّسش را بر بالای نیزه در شهرها گرداندند! 11-

بر بدن نازنینش، اسب رانندند! 12- سه روز بدنش بر  
روی خاک افتاده بود و کسی نبود تا او را دفن  
کند تا عاقبت اهل روستاها آمدند و او را دفن  
نمودند! 13- کسی دستور کشتن او را داد (یزید) که جدّ  
و پدرش آزاد کرده جدّ حسین (علیه السلام) بودند! 14-  
او را بدون جرم و گناهی کشتند! 15- کسانی او را  
تشنه شهید کردند که گروهی از آنها چند روز  
قبل بوسیله همین حسین (علیه السلام) از تشنگی نجات  
یافتند! (لشگر حرّ) 16- بخاطر تبلیغات سوء، مردم  
شام شهادت او را جشن گرفتند 17- همه موجودات  
حتّی ' ماهیان دریا و درختان برای او اشک ریختند 18-  
تا سه روز هر سنگی که بر می داشتند زیر آن خون

جاری بود. 19- آسمان تا چهل روز در عزای او  
گریست. 20- سر بریده او در چند جا تکلم  
نمود. 21- خون او و خون علی اصغر و خون علی اکبر  
که به آسمان پخش شد برنگشت 22- بدترین  
فرد {شمر} بر روی سینه بهترین فرد {امام حسین (علیه  
السلام)، {نشسته بود و...

عنایت آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام به مرحوم  
کافی

28. حجة الاسلام حاج محسن کافی (فرزند مرحوم  
حاج شیخ احمد کافی) نقل می کند:  
یک روز با دوستان به دیدار مرحوم کافی می رفتیم.  
در راه یکی از دوستان پرسید: حاج آقا! آقای کافی

که مجتهد نیست، چطور شده همه مردم او را دوست دارند و پای منبر او می آیند؟

گفتم: الان به دیدارش می رویم و از او می پرسیم. مرحوم کافی بعد از منبر داخل اتاقی می نشستند و علما به دیدار ایشان می آمدند. بعد از احوال پرسی گفتم: حاج آقا کافی! مردم می گویند شما که مجتهد و عالم نیستید، پس چرا این قدر معروف هستید؟ مرحوم کافی فرمود: آری! همین طور است.

روزی رژیم شاه ملعون مرا به کرمانشاه تبعید کرد. یک شب مرا در خرابه ای گذاشتند و من از وحشت، قلبم درد گرفت. بعد از چند روز به تهران آمدم، آقای فلسفی را دیدم، ایشان حال بنده را پرسیدند، گفتم: قلبم درد می کند.

گفت: اگر می خواهی شناسنامه ات را بده تا رفقا  
برایت ویزا بگیرند، برو خارج عمل کن تا قلبت  
خوب شود.

گفتم: اگر می خواهی ویزای خارج بگیری و مرا  
بفرستی زیر دست یک مشقت دکترهای بی دین و  
یهودی و کافر و بعد هم معلوم نیست خوب شوم، بیا  
یک ویزا بگیر و برویم کربلا پیش طبیب اصلی و  
ارباب کل آقا سید الشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام  
تا شفایم را از آقا و ولی نعمتم بگیرم.

ویزا گرفته شد، در کربلا پیش کلیددار حرم آقا امام  
حسین علیه السلام رفتم و گفتم: آقا جان! حرم را در چه  
روزی می شوید؟ گفتم: در فلان شب. گفتم: آقا



جان! عطر یا گلابی نیاز هست که با خود بیاورم؟  
گفت: نه! نیاز نیست.  
من رفتم و آن شب بر گشتم، وارد حرم شدم و همان  
طوری که داشتم حرم را می شستم منقلب شدم و  
فهمیدم آقا میخواهد به بنده عنایت و لطفی کنند.  
فهمیدم یک چیزهایی میخواهند به من بدهند، پریدم  
ضریح را گرفتم و دادند آنچه را که میخواستند بدهند  
و از آن شب به بعد معروف شدم.<sup>۱</sup>

---

طوبای کرپلا<sup>۱</sup>

## عزاداری عجیب سلیمان طباطبایی نائینی

29. در حالات او نقل شده که: چون ایام

عاشورا می رسید، لباس سیاه پوشیده و از لذات

و تمتعات اجتناب کرده و شب و روز می گریست و به

مؤمنین غذا می داد و شخصاً به عزادارها خدمت می

کرد و مانند عزادارها عمامه را از سر بر می داشت و

آستینها را بالا می زد و دگمه هارا باز می کرد و

هنگامی که بالای منبر قرار می گرفت و مشغول

موعظه می شد و به روضه می رسید، زیاد گریه می

کرد بطوری که از شدت گریه غش می کرد و از منبر  
می افتاد.<sup>۱</sup>

بیهوش شدن سیدمیر حامد حسین صاحب  
«عبقات الانوار»

30. سید حسین یزدی گفته است: من شنیده بودم که  
میر حامد حسین، توان و طاقت شنیدن مصیبت‌های  
دردناک جدش امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت او را  
ندارد. از این رو، مصیبت در حضورش خوانده نمی  
شد. از قضا، روزی در «لکهنو» در حالی که بر فراز منبر  
بودم، داخل حسینیه شد، ولی من متوجه حضورش  
نشدم و طبق معمول مصیبتی را خواندم. ناگهان دیدم

---

داستانهایی از زندگی علماء 1

صدای مردم بلند شد که می گفتند: بس است! بس است! دیگر نخوان! تعجب کردم و پس از لحظه ای فهمیدم که بر اثر ذکر مصیبت من، سید از هوش رفته است و مدهوش گشته است.<sup>۱</sup>

### شعارهای عاشورا

31. برخی از کلمات سید الشهداء (علیه السلام)، چه در فاصله مدینه تا کربلا و چه در روز عاشورا، دارای پیامهای مؤثر و دیدگاههای الهام بخش برای جهاد و کرامت است. این سخنان یا در ضمن خطبه ها آمده است، یا رجزها و اشعار آن حضرت، و حالت شعاری

---

داستانهایی از زندگی علماء<sup>۱</sup>

به خود گرفته است. می توان هدف حسینی و اندیشه ها  
و روحیه های عاشورایی را از آنها دریافت و  
آن فرازهای فروزان را شعارهای نهضت عاشورا  
دانست. برخی از این شعارها چنین است:

1- «علی الاسلام السلام، اذ بلیت الامة براع مثل  
یزید» با اسلام باید خدا حافظی کرد زمانی که یزید  
قدرت را در دست گرفته است. (این را در پاسخ  
مروان در مدینه فرمود، که از آن حضرت می خواست  
تا با یزید بیعت کند).

2- «و الله لو لم یکن ملجأ و لا ماوی لما بایعت یزید بن  
معاویة» اگر هیچ پناهگاهی نداشته باشم باز هم با یزید

بیعت نخواهم کرد. (در پاسخ برادرش محمد حنفیه فرمود).

3- «انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برما» شهادت در نزد من سعادت است و زندگی در کنار ستمکاران برایم خسارت است (خطاب به یارانش در کربلا) .

4- «الناس عبید الدنیا و الدین لعق علی السنتهم یحوطونه مادرت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قل الدیانون» مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان است اما در هنگام امتحان، دینداران کم می شوند! (در مسیر رفتن به کربلا در منزلگاه ذی حسم).

5- «الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه؟ فليرغب المؤمن فى لقاء ربه محقا..» آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و دست از باطل نمی کشند؟ پس در این موقع مومن باید بدنبال ملاقات با خدایش باشد (در کربلا خطاب به اصحاب خویش فرمود).

6- «خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة» مرگ برادری آویخته شده همانند آویخته شدن گردنبند بر گردن دختران (از سخنرانی امام حسین (علیه السلام)، در مکه پیش از خروج به سوی کوفه، در میان جمعی از خانواده، یاران و شیعیان خویش).

7- «من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله، ناکثا عهده مخالفا لسنة رسول الله يعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» هر که ببیند سلطان ظالمی حرام خدا را حلال کرده و عهد الهی را شکسته و با سنت پیامبر خدا مخالفت کرده و در بین مردم با ظلم و گناه عمل می کند و انسان در این موقع مقابله با این ظالم با زبان و افعالش نکند بر خدا واجب است او را به جهنم بیاندازد. (در منزلگاه بیضه، در مسیر کوفه، خطاب به سپاه حر).

8- «ما الامام، الا العامل بالکتاب و الآخذ بالقسط و الدائن بالحق و الحابس نفسه علی ذات الله» امام شخصیتی است که به کتاب خدا عمل می کند و



بدنبال عدالت است و به عَق عمل می کند و خودش را وقف خدا می نماید (امام این صفات امام راستین را در پاسخ به دعوتنامه های کوفیان نوشت و توسط مسلم بن عقیل به کوفه فرستاد).

9- «سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقا و جاهد مسلما» من خواهم رفت و مرگ برای جوان عار نیست زمانی که نیتش حق باشد و درحالی که مسلمان است جهاد نماید (شعر ازدیگری است، اما امام حسین (علیه السلام)، آن را در پاسخ به تهدیدهای حر، در مسیر کوفه خواند).

10- «رضی الله رضا نا اهل البیت، نصبر علی بلائه و یوفینا اجر الصابرین رضایت خدا رضایت ما اهل

بیت است . بر بلایش صبر می کنیم و خدا پاداش  
صابرین را بما خواهد داد (در خطبه ای که هنگام  
خروج از مکه ایراد نمود، خطاب به اصحاب و یاران  
فرمود).

12- «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» من  
برای اصلاح در امت جدم قیام کرده ام. (در وصیت  
نامه سید الشهداء (علیه السلام)، به برادرش محمد حنفیه  
آمده است که قبل از خروج به سوی مدینه نوشت).

13- «لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا اقر اقرار  
العبد [لا افر فرار العبد]» هرگز مانند افراد ذلیل دست  
بیعت نخواهم داد و مانند غلامان اقرار نخواهم  
نمود. (در سخنرانی صبح عاشورا، خطاب به نیروهای

دشمن فرمود، که خواستار تسلیم شدن آن حضرت بودند).

14- «یهات منا الذلة، یابی الله ذلک لنا و رسوله و المؤمنون...» دورباد از ما ذلت! که خدا و رسول و مومنین از اینکه تحقیر شویم امتناع دارند (در خطاب به سپاه دشمن فرمود، پس از آنکه خود را سر دوراهی ذلت و شهادت محیر دید).

15- «فهل هو الا الموت؟ فمرحبا به» ایا راهی جز شهادت نیست پس شهادت خوش امد (در پاسخ عمر سعد، که نامه ای به آن حضرت فرستاد و خواستار تسلیم شدن بود).

16- «صبرا بنی الکرام، فما الموت الا قنطرة تعبر بکم  
عن البؤس و الضراء الى الجنان الواسعة و النعیم  
الدائمة» ای فرزندان گرامی! صبوری کنید که مرگ  
فقط پلی است که شما را از سختی های دنیا به  
بهشت های وسیع و نعمت های دائمی می رساند.  
(خطاب به یاران فداکار خویش در صبح  
عاشورا، پس از آنکه تعدادی از اصحابش شهید  
شدند).

(که روز عاشورا هنگام پیکار با سپاه دشمن به عنوان  
رجز حماسی می خواند و شهادت را بر ننگ  
تسلیم، ترجیح می داد).

18- «موت فی عز خیر من حیاة فی ذل» مرگ با عزت بهتر است از زندگی با ذلت (که مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است).

19- «ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم» اگر دین ندارید و از آخرت نمی ترسید لا اقل ازاد مرد باشید! در آخرین لحظات پیش از شهادت، وقتی شنید سپاه کوفه به طرف خیمه های حرم او حمله کرده اند، خطاب به پیروان ابو سفیان چنان فرمود).

20- «هل من ناصر ینصر ذریتہ الاطهار؟» «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله؟» ایا کسی است که ذریه اهل بیت پاک را یاری نماید؟ ایا شخصی هست

از حرم رسول خدا دفاع کند؟ (وقتی سید الشهداء «ع»  
این نصرت خواهی و استغاثه را بر زبان آورد که  
همه یاران و بستگانش شهید شده بودند).<sup>۱</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در بازگشت به مدینه چه  
فرمودند؟

32. امام سجاد (علیه السلام) شروع به بیاناتی نمود  
از جمله فرمود: ای مردم! همانا خداوند که حمد  
و سپاس بر او باد! ما را به مصیبت‌های بزرگی مبتلا فرمود  
و شکاف بزرگی در اسلام ظاهر شد. اباعبدالله الحسین  
(علیه السلام) و فرزندان و یارانش کشته شدند و زنان

ودخترانش، اسیر گشتند و سرش را بالای نیزه ها در  
شهرها گرداندند. این مصیبتی است که مانند ندارد.  
ای مردم! کدامیک از شما می تواند بعد از شهادت  
حسین (علیه السلام)،

شاد و خرم باشد؟ کدام قلبی است که برای او  
اندوهگین نشود؟

کدامیک از شما می تواند از ریختن اشکش  
جلوگیری کند؟

بدرستیکه آسمانهای هفتگانه برای شهادت حسین  
(علیه السلام) گریه کردند. دریاها با امواجشان و آسمانها با  
ارکانشان وزمین با اعماقش و درختها با شاخه

هایشان، برای حسین (علیه السلام) گریه کردند . امواج  
دریاها و فرشتگان مقرب خدا و اهل آسمانها همه و همه  
گریه کردند. ای مردم! آن کدام قلبی است که برای  
کشته شدن حسین (علیه السلام) شکافته نشود؟ آن کدام دلی  
است که برای حسین (علیه السلام) ناله ننماید؟ آن کدام  
گوشی است که این مصیبت بزرگ را که در اسلام  
پدید آمده، بشنود و کرنشود؟... اَنَا لِلّٰهِ وَاَنَا لِرَاجِعُونَ  
از مصیبتی که چقدر بزرگ و سوزان و دردناک ورنج  
دهنده و ناگوار و تلخ و جانسوز است! آنچه که برای ما  
روی داد را به حساب الهی منظور می کنیم که او  
عزیز و انتقام گیرنده است!'<sup>1</sup>

---

جلاء العیون<sup>1</sup>



## عجب گریه کننده ای!

33. شیخ جعفر مجتهدی از عرفای معاصریکی از گریه کننده های مشهور است که برای اهل بیت (علیهم السلام)، مخصوصا سیدالشهداء خیلی گریه می کردند. چند تا از داستانهای مربوط به ایشان را از کتاب در محضر لاهوتیان آقای مجاهدی می اوریم:

از جمله خاطرات جناب مجاهدی است که :  
بعد از ظهر روز نوزدهم ماه صفر چند سال پیش در قم توفیق دیدار آقای مجتهدی را پیدا کردم. هنگام ورود به اتاق، مشاهده کردم که بر روی تخت در حالی که دست خود را به نشانه احترام بر روی سینه گذاشته اند، چشمان اشک آلودشان را به نقطه ای از اتاق دوخته اند و قراین نشان می داد که پیش از ورود

من به اتاق توسلاتی داشته‌اند.

آرام در کنار در ورودی اتاق نشستم و به تماشای آن  
صحنه شور آفرین پرداختم. حدود یک ربع ساعت  
گذشت تا آن مرد خدا به تدریج حالت طبیعی خود  
را باز یافت.

پرسیدند:

شما نور خاصی را مشاهده نکردید؟

عرض کردم:

خیر! ولی عطر خاصی را برای چند لحظه‌ای استشمام  
کردم.

آن مرد خدا در حالی که می‌گریستند، فرمودند:

دلم خیلی گرفته بود به بی‌بی زینب (علیها السلام) متوسل  
شدم، ناگهان در گوشه‌ای از اتاق آشکارا در هاله‌ای

از نور جلوه کردند. لباس تعزیت بر تن داشتند و  
سرا پا سیاه پوش بودند. هیبت ایشان، هیبت علوی  
بود. خواستم عرض تسلیت کنم ولی گریه امانم نداد!  
بی بی فرمودند:

دوست دارم فردا که اربعین شهادت حسینی است در  
این جا مراسم عزاداری اقامه گردد و مرثیه جدیدی  
خوانده شود. مرثیه‌ای که صحنه غروب روز عاشورا  
را تجسم کند.

عرض کردم:

بی بی جان! این مرثیه را چه کسی باید منظوم کند؟  
در حالی که بی بی زینب (علیها السلام) به شما اشاره  
می کردند به من امر فرمودند تا صحنه غروب روز  
عاشورا و صحنه وداع شان را با پیکر پاره پاره و

غرقه به خون سالار شهیدان را به گونه‌ای که نشانم داده‌اند، برای شما بازگو کنم. سپس « کد » مرثیه جدید را به من یاد آور شدند و فرمودند که این مرثیه جدید دارای چه نشانه‌ای است؟ شما امشب این مرثیه را بسازید و فردا صبح به من لطف کنید تا بینم نشانه‌ای را که فرموده‌اند، دارد یا نه!

بعد، آقای مجتهدی حدود یک ساعت آن دو صحنه تکان دهنده را برای من تعریف کردند و در اثنای مجسم کردن آن دو صحنه به سختی می‌گریستند و گاهی رشته کلام شان پاره می‌شد و هنگامی که آرام می‌گرفتند، مطلب را ادامه می‌دادند.

از خدمت ایشان مرخص شدم و به خانه آمدم. نزدیکی نیمه‌های شب، غمی بزرگ بر وجودم

مستولی شد و انقلاب خاطر عجیبی پیدا کردم. به کتابخانه شخصی ام رفتم و مطلبی را که آقای مجتهدی برایم شرح داده بودند، دقیقاً مرور کردم و پس از دقایقی بعد، این مرثیه منظوم بر زبانم جاری شد:

هان! غروب روز عاشوراستی کربلا پر شود و پر  
غوغاستی  
قتلگاه ار خون هفتاد و دو تن موج زن چون لجه  
دریاستی  
کشتی بشکسته آل رسول غرقه در دریای بی پهناستی  
...

فردای آن روز، صبح زود پس از زیارت مرقد  
نورانی کریمه اهل بیت (علیها السلام) و تشکر از

عنایت آن حضرت و بی بی زینب — سلام الله علیهما —

رهسپار منزل حضرت آقای مجتهدی شدم. هنگامی

که به حضورشان رسیدم، پرسیدند:

مرثیه را به همراه آورده اید؟!

عرض کردم: بله

فرمودند:

مرحمت کنید تا آن را ببینم!

تا آن هنگام سابقه نداشت که ایشان این گونه اشعار

را از من طلب کنند و فقط می فرمودند:

بخوانید! ولی این بار ظاهراً قضیه فرق می کرد.

وقتی که شعر را به ایشان دادم، دیدم با انگشت خود

سرگرم شمردن ابیات آن هستند! سپس با لبخندی

حالکی از رضایت خاطر به من فرمودند:

آقا جان! مبارک است، شعر شما نشانه‌ای را که بی‌بی  
زینب (علیها السلام) به من فرمودند، دارد!

عرض کردم:

اگر صلاح می‌دانید، برای مزید اطمینان قلبی من آن  
را اشاره بفرمایید.

گفتند:

به من فرموده بودند که این مرثیه به نشانه اربعین  
باید چهل بیت داشته باشد و حالا که ابیات شعر شما

را شمردم دیدم درست چهل بیت است!

آقا جان! شعری که عنایتی باشد «کد» دارد! و «کد»

شعر شما عدد (40) بود!

من که سراینده این مرثیه بودم، تعداد ابیات آن را

نمی‌دانستم! بعد که ابیات را شمردم دیدم که

ناخودآگاه آن را در چهل بیت سروده‌ام! شعی که  
باطناً از این جهت نصیب من شد، روزها ادامه  
داشت.

پس از گذشت ساعتی که در خدمت آن مرد خدا  
بودم، تنی چند از ذاکران و دوستداران آل الله آمدند  
و ایشان شعر مرا به یکی از آنها داده و گفتند:  
مرثیه امروز ما، همین شعراست! آن را با لحنی حزن  
انگیز بخوانید.<sup>۱</sup>

آقای حسنی طباطبایی نقل کردند:

صبح یکی از روزهای ماه محرم پس از تشریف به  
حرم مطهر کریمه اهل بیت حضرت معصومه (علیها  
السلام) به قصد زیارت آقای مجتهدی حرکت کردم.



در زدم، کسی در را باز کرد و گفت:  
حمید آقا! آقای مجتهدی منتظر شما هستند تا  
صبحانه را به اتفاق شما صرف کنند!  
به خدمت ایشان شرفیاب شدم، سفره صبحانه پهن  
بود.

فرمودند:

صبحانه را بایستی با شما صرف می کردیم! خوش  
آمدید، بفرمایید!  
در کنار آقای مجتهدی، کتاب گنجینه الاسرار مرحوم  
عمان سامانی، قرار داشت. ایشان ضمن صرف  
صبحانه، اشاره ای به آن کتاب کردند و گفتند:  
آقاجان! عمان سامانی در میان مرثیه سرایان حسینی

مقام و منزلت ویژه‌ای دارد و بعد فرمودند:  
اصلاً دستگاه حضرت اباعبدالله (علیه السلام) یک دستگاه  
عجیبی است! نام مبارک ایشان هم خیلی بزرگ  
است. در نام مقدس «حسین» (علیه السلام) اسرار عجیبی  
نهفته است.

و پس از چند لحظه تأمل، فرمودند:  
هر کس که نام آقا امام حسین (علیه السلام) را بشنود از  
میزان انقلاب خاطری که پیدا می‌کند پایه ایمانش را  
می‌توان فهمید. کسانی که نام این بزرگوار را  
می‌شنوند و تغییر حالی در خود نمی‌بینند باید جداً

نگران ایمان خود باشند!

نام آقا امام حسین (علیه السلام) محک ایمان است.<sup>۱</sup>

بدون گریه بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)

نمی توانیم زنده بمانیم

جناب آقای حاج فتحعلی تعریف کردند:

در یکی از دفعاتی که آقا مجتهدی در بیمارستان  
آیت الله گلپایگانی بستری شدند تمام اطباء بالاتفاق  
به آقا گفتند: شما اصلاً نباید گریه کنید، و در غیر  
این صورت نابینا خواهید شد. آقا در جواب به آنها  
فرمودند:

( ما بدون گریه بر حضرت امام حسین (علیه السلام)  
نمی توانیم زنده بمانیم).<sup>۱</sup>

ایشان وقتی به کربلا مشرف می شوند به مدت هفت  
سال در یکی از حجره های فوقانی صحن مطهر آقا  
ابا عبدالله رو به ایوان طلا سکونت می کنند و روزها  
نیز در بازار بین الحرمین در محله قیصریه اخباری ها  
به شغل کفاشی سرگرم می شوند و هر روز به  
زیارت دو طفلان حضرت مسلم (علیهما السلام) مشرف  
می شده اند. از قول ایشان نقل شده :

در ایامی که در کربلای معلی ساکن بودم هر روز  
صبح قبل از اینکه به محل کار خود بروم، کنار رود

فرات رفته و به آب نگاه می کردم و به یاد عطش و مصائبی که در روز عاشورا بر امام حسین (علیه السلام) و اولاد و اصحابشان وارد شده بود می گریستم ، سپس به حرم مطهر مشرف می شدم و بعد از زیارت به صحن مبارک رفته و در آنجا مشغول توسل و گریه می شدم، آنگاه به محل کار خود می رفتم.

اقای شیخ جعفر مجتهدی می فرمودند:

زمانی که در بیابانها ساکن بودم، هنگام توسل کلمه شریفه (یا حسین) را با انگشت روی خاک می نوشتم و آنقدر می گریستم تا اینکه کلمه یا حسین که بر روی خاک نوشته بودم تبدیل به گل می شد و محو می گشت، مجدداً آن نام مقدس را روی گلها

می نوشتم و به حدی گریه می کردم که بی تاب گشته  
و از هوش می رفتم. ایشان فرمودند: یک روز عاشورا  
که در بیابان بودم بسیار منقلب گشتم در این هنگام  
خطاب به آسمان کرده و گفتم: آسمان خجالت  
نکشیدی ناظر کشته شدن حضرت اباعبدالله  
(علیه السلام) بودی؟! سپس خطاب به زمین نموده و  
گفتم: ای زمین خجالت نکشیدی که حسین فاطمه  
(علیهما السلام) را بر روی تو سر بریدند؟! و متصل یک  
خطاب به آسمان و یک خطاب به زمین می کردم که  
ناگهان ندایی آمد. جعفر از اینجا دور شو. وقتی از آن  
مکان فاصله گرفتم، آسمان درهم ریخت و صاعقه ای

آتشبار به قطعه زمینی که به آن خطاب می نمودم  
اصابت کرد و آنجا را شکافت.<sup>۱</sup>

ماجرای مسلمان و شیعه شدن ۱۵۰ سیاهپوست در  
یک مجلس روضه

34. به گزارش رهیافتگان پایگاه جامع مبلغین و تازه  
مسلمانان: توی آمریکا مراسم روضه گرفته بودیم  
شب اول یه سیاه پوست هم اومد روضه  
براش یه مترجم گذاشتیم

---

در محضر لاهوتیان آقای مجاهدی<sup>۱</sup>

شبای بعد، همین جور هی تعداد سیاهپوست ها زیاد  
میشد تا مجبور شدیم یه جای دیگه روهم برای  
مراسم بگیریم

شب آخر ۱۵۰ تا سیاهپوست گفتن که میخوان شیعه  
بشن

پرسیدم برای چی میخوان شیعه بشین؟

همه نگاه کردن به سیاهپوستی که شب اول اومده  
بود روضه

ازش پرسیدم برای چی شیعه؟

گفت: شب اول یه تیکه از روضه جون رو خوندی)  
غلام سیاه امام حسین)



همونی که وقتی امام حسین (علیه السلام)، سرش رو  
گذاشت روی پای خودش، سه بار سرش رو  
انداخت گفت جایی که سر علی اکبر بوده جای سر  
جون نیست!!؟

ولی امام حسین سرجون رو گذاشت روی پاهاش و  
جون شهید شد

من رفتم به این سیاهپوستا گفتم: بیایید که دینی رو  
پیدا کردم که توش سیاه و سفید فرقی نداره.<sup>۱</sup>

---

1 <http://shia-patogh.blogfa.com/post/2491>

چه موقع امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنیم؟

35. زیارت امام حسین (علیه السلام) در اوقات شریفه و لیالی و ایام متبرکه به غیر از این اوقات که ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد مانند روز مباهله و روز نزول هَل آتی' و روز ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه و از روایتی مستفاد می شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمی بر آن حضرت فرماید و جمیع پیمغبران و اوصیای ایشان را به زیارت او بفرستد و ابن قولویه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین (علیه السلام) را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا

بیرون نرود با حال حسرت از دنیا و مسکنش در  
بهشت با امام حسین (علیه السلام) باشد و در خبر اعمش  
است که همسایه او برای او گفت در خواب دیدم  
که رقعها از آسمان فرو می ریزد که در آنها امان  
نوشته اند برای هر که زیارت امام حسین (علیه السلام) کند  
در شب جمعه و بعد از این در اعمال کاظمین در  
حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب  
خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر و  
روایت شده از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدند که  
آیا زیارت امام حسین (علیه السلام) را وقتی هست که بهتر  
از وقت دیگر باشد فرمود که زیارت کنید آن  
حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت

آن حضرت خیر مُقَرَّری است هر که آن را بیشتر  
به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر  
کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت  
کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه  
در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه  
ملائکه از آسمان نازل می شوند از برای زیارت آن  
حضرت.<sup>۱</sup>

### چند مطلب مهم درباره تربت حسینی

36. اوّل روایت شده که حوریان بهشت چون یکی  
از ملائکه را می بینند که از برای کاری بر زمین  
می آید از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و

ترت قبر امام حسین (علیه السلام) به هدیه بیاور دوم به  
سند معتبر منقول است که شخصی گفت حضرت  
امام رضا (علیه السلام) برای من از خراسان بسته متاعی  
فرستاد چون گشودم در میان آن خاکی بود از آن  
مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست گفت  
خاک قبر امام حسین (علیه السلام) است و هرگز آن  
حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی  
نمی فرستد مگر آنکه این خاک را در میانش می گذارد  
و می فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیت  
خدا سیم روایت است که عبدالله بن ابی یغفور به  
خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد که  
یک شخص از خاک قبر امام حسین (علیه السلام)

برمی دارد و منتفع می شود و دیگری برمی دارد و منتفع  
نمی شود فرمود که نه والله هر که بردارد و اعتقاد  
داشته باشد که به او نفع می بخشد البته منتفع می شود  
چهارم از ابو حمزه ثمالی روایتست که عرض کردم  
به حضرت صادق (علیه السلام) که می بینم اصحاب ما  
می گیرند خاک قبر امام حسین (علیه السلام) را و  
طلب شفا از آن می کنند آیا شفا در آن هست فرمود  
که طلب شفا می توان کرد از خاکی که بردارند از  
میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر  
جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و قبر امام حسن  
و امام زین العابدین و امام محمد باقر (علیهم السلام): پس  
بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری

است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن  
برابری نمی کند از چیزهائی که از آن شفا طلب  
می کنند به غیر از دعا و چیزی که آن را فاسد می کند  
آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها  
که معالجه به آن می کنند کم است یقین ایشان هر که  
یقین داشته باشد که این از برای او شفا است  
هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و  
محتاج به دواى دیگر نخواهد شد و فاسد می گردانند  
آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر  
آن می مالند و بهر چیز که می گذرد آن تربت آن را بو  
می کنند و اما شیاطین و کافران جن پس حسد  
می برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن

می‌ماند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف  
می‌شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی‌آید مگر مهیا  
می‌شوند از شیاطین و کافران جن از برای آن تربت  
آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا  
نمی‌تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و  
ایشان خود را بر آن می‌ماند و ملائکه  
نمی‌گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر  
تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن  
معالجه نمایند البتّه در آن ساعت شفا می‌یابد پس  
چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن  
بسیار بخوان و شنیده‌ام که بعضی از آنها که تربت را  
برمی‌دارند آن را سبک می‌شمارند حتّی بعضی از



ایشان آن را در توبهٔ چهارپایان می‌اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهائی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد و لکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می‌شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد

می‌کند پنجم روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است به بوسد آن را و برهر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الثَّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَتَوَيَّ فِيهَا، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَآبِيهِ وَآمَتِهِ وَآخِيهِ، وَالْأَنْثَمَةِ مِنْ وَلَدِهِ، وَبِحَقِّ

الْمَلَأْنِيكَ الْخَافِينَ بِهِ، إِلَّا □ جَعَلْتُهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَبُرْءاً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ،  
وَنَجَاءً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمَّا خَافَ وَآحَذَرُ

خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن  
بزرگواری که در آن فرود آمد و

مسکن گرفت و به حق جد و پدر و مادر و امامان از  
فرزندانش و به حق

فرشتگانی که او را دربر گرفته‌اند که بگردانی آن را  
شفای از هر درد و درمان از هر

. بیماری و رهایی از هر آفت و پناهگاهی از هر چه  
از آن می‌ترسم و پرهیز می‌کنم \* \* \* \* \*  
بعد از آن را استفاده کند.

و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین (علیه السلام)، آنست که بر آن سوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر بخوانی و نیز روایت شده که هرگاه تربت رابخوری یا به کسی بخورانی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا، وَعِلْمًا نَافِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزی فراخ و دانشی سودمند و شفای از هردردی که تو بر هر چیزی قادر است.

ششم از حضرت امام رضا (علیه السلام)، منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام)، را

وبگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت و از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که هر که بگرداند سنگهائی را که از تربت امام حسین (علیه السلام) می سازند یعنی تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و تسبیح نگوید به عدد هر جبهه هفت مرتبه از برای او نوشته می شود هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق (علیه السلام) به عراق تشریف

آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض  
کردند که دانسته‌ایم تربت امام حسین (علیه السلام)  
موجب شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر  
خوف هست فرمود بلی هرگاه کسی خواهد که او را  
از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن  
حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه  
این

دعا را بخواند: أَصْبَحْتُ اللَّهُم مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ  
وَجَوْارِكِ الْمَنِيِّ، \* \* \* \* \* بامداد کردم  
خدایا در حالی که چنگ زده‌ام به پیمان تو و جوار  
محکمت

الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَائِفٍ  
مِنْ سَائِرِ مَنْ، که مورد دستبرد واقع نشود و کسی  
قصد آن نتواند از شر هر ستمکار و شیخون زنده‌ای  
از تمامی

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ، فِي  
جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ، کسانی که آفریدی و آنچه خلق فرمودی  
از مخلوقات خموش و گویایت (و بنهم خود را) در  
زیر سپر و جوشنی از هر

مَخُوفٍ، بِلِبَاسِ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ، وَهِيَ وَلَا أُمَّ أَهْلِ بَيْتِ  
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ، موجود مخوف و ترسناکی با لباس  
محکم و نگهدارنده و آن (سپر و لباس) همان  
دوستی خاندان پیامبر تو محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي  
إِلَى أَذِيَّةِ بَجْدَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتِ وَ نَگَهِداری کَنَم  
خود را از هر که آهنگ آزارم کند به دیوار

حَصِينِ الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ،  
وَالْتَمَسُكَ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً، مُحْكَمِ اخْلَاصٍ فِي اعْتِرَافِ  
کردن به حق ایشان و چنگ زدن به رشته محکم  
ایشان همگی

مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أَوْ إِلَى  
مَنْ وَالْوَأْدُ، فِي حَالِي كَمَا يَقِينُ دَارِمُ كَمَا حَقٌّ مِنْ أَنْهَا اسْتِ  
و با آنها است و از آنها است و در میان آنها است و  
بوسیله آنها است دوست دارم هر که را

وَأَعَادَى مَنْ عَادَوْا، وَأَجَانِبَ مَنْ جَانَبُوا، فَصَلَ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَنَهَا دُوسْت دَارند و دشمن دارم هر که را  
دشمن دارند و کناره گیرم از هر که کناره گرفتند  
دروود فرست بر محمد و آلش

وَأَعِزَّنِي اللَّهُ هُمْ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمَ  
حَاجَزَتِ الْأَعَادَى وَنَگَاحِم دَار خدایا بوسیله ایشان  
از شر هر چه از آن پرهیز دارم ای خدای بزرگ دور  
ساختم دشمنان را

عَنِّي بِيَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ  
أَيْدِيهِمْ سَدًّا از خود بوسیله آفریننده آسمانها و زمین  
«ما نهادیم از پیش رویشان سدی



وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ. \*

پس تسبیح را ببوسد و برو از پشت سرشان سدی و  
پرده بر دیده‌شان افکنیم که نمی‌بینند» \* \* \* \* \*

\* \* \* \* \*

هر دو چشم بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ  
هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَبِحَقِّ \* \* \* \* \*  
\* خدایا از تو خواهم به حق این تربت مبارک و به  
حق

صاحبها وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ آيِهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ  
أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ، صاحب آن (حضرت  
اباعبدالله) و به حق جدش و به حق پدرش و به حق  
مادرش و به حق برادرش و به حق فرزندان پاکش

اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَآمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ،  
وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ. بگردان آن را شفای از هر  
دردی و امان از هر ترسی و نگهدارنده از هر بدی

\* پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر  
در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر  
در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح  
و □ در روایت دیگر منقول است که هر که از  
پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید  
چنین کند تا حرزی باشد او را از شرّ ایشان<sup>۱</sup>

## حضرت امام و عزاداری حسینی

37. علی دوانی درباره اهمیت حماسه حسینی در افکار حضرت امام نقل می کند:

در سال **1328** شمسی که برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم، و آیت الله العظمی امام خمینی - رضوان الله علیه - را در مجالس عزاداری می دیدم، به تعبیر امروز، «فرهنگ عاشورا» در نظرم مجسم می شد. امام در بعضی از مجالس سوگواری ائمه اطهار - علیهم السلام - که در مسجد بالاسر حضرت معصومه - سلام الله علیها - یا منزل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برگزار می شد، چنان با وقار و آرام می نشستند و گوش به سخنان واعظ یا روضه

خوان داشتند که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.

امام در آن زمان، استاد سرشناس حوزه و مدرس علوم عقلی بودند. قامت رسا و قیافه جالب و آرامش خاص ایشان طوری بود که چه در راه رفتن و چه در نشستن در مجالس نظر بینندگان را جلب می کرد، و کسی را در میان جمع علمای حوزه مانند ایشان نمی دیدیم.

هنگامی که واعظ به «گریز» می رسید، یا روضه خوان شروع به خواندن روضه می کرد، حاج آقا روح الله خمینی نخستین کسی بود که دستمال سفید و تمیز خود را از جیب درمی آورد و به صورت می گرفت و گریه را سر می داد. اگر تکیه بر دیوار داده

بودند، بدون حرکت و تکانی می گریستند، و چنانچه خم می شدند، می دیدی که چطور می لرزند و اشک می ریزند، و همین که دستمال از صورت برمی گرفتند، صورتی پراشک و چشمانی اشک ریخته را می دیدی که همان نیز دیگران را به گریستن و اشک ریختن در عزای شهیدان کربلا یا ائمه اطهار (علیه السلام) ترغیب می کرد.

اصولاً نشستن امام در مجالس عزاداری و گوش دادن به وعظ و واعظ یا روضه روضه خوان حال و هوای خاصی داشت؛ آرام، ساکت، مؤثر و تمام گوش و چشم بودند؛ گوش به مطالب و چشم به گوینده داشتند. این طرز نشستن در مجالس سوگواری و آمادگی برای گریستن در عزای امام

حسین - علیه السلام - و شهیدان کربلا را در کمتر  
عالمی دیده ام: «وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ».  
حتی در یک مورد هم دیده نشد که امام در پای منبر  
و هنگام سخنرانی واعظ - هر که بود - با ذکر  
مصیبت ذاکر، با اشخاص پهلو دست خودشان  
صحبت کنند؛ زیرا بی احترامی به منبر و منبری بود،  
بعکس آنچه میان بسیاری از علما مرسوم است،  
بخصوص علمای نجف که آن را شأنی برای خود  
می دانستند.

امام به طرز نشستن در مجالس سوگواری اهل بیت و  
گوش دادن به وعظ واعظ یا روضه روضه خوان، و  
گریستن به هنگام شنیدن مصایب شهدای کربلا به

همه نشان دادند که «فرهنگ عاشورا» را باید پاس داشت و حریم آن را نگاه داشت.

آقای کوثری افزود: «هنگام رحلت سید مصطفی، وارد نجف شدم و پس از زیارت، خدمت امام رسیدم، و بعد از تسلیت و مختصر احوالپرسی عرض کردم اجازه می دهید طبق معمولم در حضورتان روضه ای بخوانم؟ فرمودند: بفرمایید!».

پس از مقدمه کوتاهی، هرچه راجع به حاج آقا مصطفی می دانستم که چقدر مورد علاقه امام بود و شخصیتی ممتاز داشت، بیان کردم، و با تکیه به صوت گفتم، حضرت آیت الله! آجرک الله در مرگ فرزندی عزیز می چون حاج آقا مصطفی، چه فرزندی، فرزند دانشمند لایقی...

در تمام این مدت، این امام بدون تغییر حال گوش می دادند و کوچک ترین اثری برای گریستن در ایشان پیدا نشد. هرچه به این در و آن در زدم بلکه امام در مرگ فرزند اشکی بریزند نتیجه نداشت. ناچار گریز زدم به کربلا و آمدن امام حسین - علیه السلام - به بالین حضرت علی اکبر. همین که گفتم، قربان غریبیت یا ابا عبدالله! وقتی آمدی به بالین فرزند رشیدت علی اکبر، امام دستمال از جیب درآوردند و به قدری گریستند که تا آن موقع کمتر دیده بودم. هنگامه ای شد، و از این طرف به فکر افتادم که نکند حال امام دگرگون شود، و من از کارم پشیمان شوم. ناچار روضه را طول ندادم و ختم کردم. گریه امام را



در ذکر مصیبت امام حسین - علیه السلام - و شهدای  
کربلا دیده بودم، اما نه آنطور که آن روز دیدم.

نمونه دیگر

یکی از نزدیکان امام خمینی که در پاریس در  
خدمت امام بوده و تمام لحظه های شبانه روز معظم  
له را زیر نظر داشته، نقل می کرد که وقتی در پاریس  
بودیم من مراقب بودم، هر بار که اخبار تلفنی را به  
امام می دادند، و می گفتند در تهران و فلان شهر  
چه شده، مردم را کشته اند، به فلان جا حمله کرده  
اند، کجا را گرفته اند، عده ای را بازداشت کرده اند،  
مسجد کرمان را سوزانده اند، به قم حمله کرده اند،  
و طلاب را دستگیر کرده و به زندان انداخته، یا  
انقلابیون را در زندان به سختی شکنجه داده اند، و از

این قبیل اخبار وحشتناک، هر بار حاضران به سختی می گریستند، ولی امام فقط گوش می دادند و چنانکه شأن یک رهبر انقلابی است، صبر انقلابی می نمودند. اما همین که یکی از حاضران به مناسبت ماه محرم شروع به خواندن روضه می کرد، امام آنآ چنان متقلب می شدند و شروع به گریستن می نمودند که می دیدیم اشک مهلت نمی دهد. از هر دو چشم امام چنان اشک می ریخت که پهنای صورتشان را می گرفت. و در یک کلام به پهنای صورتشان اشک می ریختند.

راستی این چه حالتی بود که در امام می دیدیم و می دیدند؟ این حالت ما را به یاد جد بزرگوارش

حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - می اندازد که  
شاعر می گوید:

هوالبكاء فی المحراب لیلاً  
هو الضحاک اذا اشتدّ الظراب

یعنی: علی - علیه السلام - دارای دو جنبه متضاد بود:  
شبانه در محراب صدای گریه اش بلند است، ولی در  
میدان جنگ لبخند بر لب داشت.<sup>۱</sup>

### درس صبر از حماسه حسینی

38. یکی از درسهای مهم حماسه حسینی، درس صبر  
و استقامت است:

---

1 <http://www.imam->

[khomeini.ir/fa/n3518\\_ع\\_امام\\_حسین\\_و\\_عزاداری\\_امام\\_خمینی\\_و\\_استقامت\\_است](http://www.khomeini.ir/fa/n3518_ع_امام_حسین_و_عزاداری_امام_خمینی_و_استقامت_است)

فقط صابران بیایند: امام حسین علیه السلام هر چند یاران و اصحاب معدودی داشت، ولی این گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و نصرت هر بی صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که فقط صابران بیایند و بمانند: «ایها الناس فمن کان منکم یصبر علی حد السیف وطعن الاسنة فلیقم معنا و الا فلینصرف عنا؛ ای مردم! هر کدام از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] و گرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد]

---

فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان)، ص 44؛ ینابیع المودة،<sup>1</sup>

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سرگیرد و بیرون رود از کربلای ما

روز عاشورا و صبر بی پایان: وقتی روز عاشورا فرا

رسید و فشار نظامی، تشنگی و مشکلات دیگر هجوم

آوردند، یاران اطراف حسین علیه السلام را گرفتند و

نگاه به چهره او دوختند، تا ببینند چه رهنمودی می

دهد. امام حسین علیه السلام به راستی صحنه های

بسیار زیبایی از پشت پرده های صبر را به نمایش

گذاشت که به برخی موارد آن اشاره می شود

الف) خطاب به یاران با چهره ای گشاده و با نفس آرام فرمود: «صبرا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة والنعم الدائمة؛ ای فرزندان کرامت و شرف! شکیبا باشید، مرگ پلی بیش نیست که ما را از مشکلات و سختیها به سوی بهشت وسیع و نعمتهای جاویدان عبور می دهد

و در جای دیگر فرمود: «ان الله قد اذن فی قتلکم فعلیکم بالصبر؛ ابراستی خداوند اذن کشته شدن [و

---

لهوف، ابن طاووس، ص 26؛ کشف الغمّة، اربلی، ج 2، ص 29؛<sup>1</sup>

فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص 274

معانی الاخبار، صدوق، ص 288<sup>2</sup>

شهادت شما را [داده است، پس بر شما لازم است  
که صبر کنید

ب) آن حضرت خطاب به احمد بن حسن علیه السلام،  
آنگاه که بعد از جنگ آشکار برگشت و از عمو آب  
خواست، فرمود: «یابنی اصبر قليلا حتى تلقى جدك  
فيسقيك شربة من الماء لا تطما بعدها ابدا؛ 'پسرم!  
مدت کمی شکیبایی کن تا جدت رسول خدا صلی  
الله علیه و آله را، ملاقات کنی، پس آنگاه از آبی  
». سیراب کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی

- ج) امام حسین علیه السلام خطاب به علی اکبرش  
هنگامی که برای تجدید قوا آب خواست، فرمود:  
«اصبر حبیبی فانک لاتمسی حتی یسقیک رسول الله  
بکاسه؛ عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست  
» . جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سیراب می شوی
- د) آن گاه که به درب خیمه زنها آمده و فریاد کشید:  
سکینه، فاطمه، زینب، ام کلثوم، خداحافظ من هم  
رفتم، زنها و بچه ها شروع به گریه کردند، حضرت  
خطاب به سکینه فرمودند: «یا نور عینی ... فاصبری  
علی قضاء الله ولا تشکی فان الدنيا فانیة والآخره



باقیه؛ ای نور چشمم! ... پس باید بر تقدیرات الهی  
صبر کنی و شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و  
آخرت ماندگار است

آن گاه که حضرت به زمین افتاده بود و لحظات آخر  
عمر خویش را سپری می کرد، آخرین پرده از شکوه  
و صبر خویش را با این جملات به عرصه نمایش  
گذاشت: «صبرا علی قضائک لاله سواک یا غیاث  
المستغیثین ولا معبود غیرک، صبرا علی حکمک؛<sup>۲</sup>

پیامبران بزرگ و زمین مقدس کربلا

39. عبور آدم علیه السلام از زمین کربلا

---

ناسخ التواریخ، ج 2، ص 1360

اعیان الشیعه، ج 1، ص 610<sup>2</sup>

چون آدم علیه السلام بر زمین هیوط کرد و حوا را  
ندید دنبال او گشت تا عبورش به زمین کربلا افتاد  
پیش از آن که حادثه ای واقع شود، غمناک شد،  
سینه اش تنگی گرفت ، و چون به مقتل امام حسین  
علیه السلام رسید پایش لغزید خون از آن جاری شد

پس سر به موی آسمان بلند کرده و گفت : ای  
پروردگار من ، مرتکب گناه دیگر شده ام و اینک مرا  
کیفر خواهی کرد زیرا که من تمام زمین را طی کردم  
و یا چنین حادثه ای روبه رو نشدم . خداوند وحی  
فرستاد: ای آدم گناهی تازه مرتکب نشده ای ولی  
فرزند تو حسین علیه السلام در این سرزمین به ظلم

کشته می شود اینک خون تو به موافقت وی ریخته  
شد.

آدم عرض کرد: پروردگارا، حسین پیغمبر است ؟

خطاب سید که پیامبر نیست و لیکن فرزند زاده  
پیامبر من محمد صلی الله علیه وآله است عرض کرد: قاتل  
وی کیست ؟ ندا رسید: یزید که ملعون اهل آسمان ها  
و زمین است آدم به جبرئیل رو کرد و گفت : چه  
کنم ؟ گفت : یزید را لعن کن پس آدم چهار مرتبه  
یزید را لعنت کرد و چند قدمی برداشت تا به کوه  
عرفات رسید و حوا را یافت.<sup>1</sup>

---

وقایع الایام خیابانی ، ص 149<sup>1</sup>

## کشتی نوح علیه السلام و کربلا.

چون حضرت نوح علیه السلام بر کشتی نشست و بر روی آب همه روی زمین را گشت تا به زمین کربلا رسید، چون به آن زمین بلا رسید آن سرزمین کشتی او را به گرداب افکند پس حضرت نوح علیه السلام از غرق شدن کشتی ترسید دست دعا به درگاه عزت و جلال خدا برداشت و عرض کرد: پروردگارا همه روی زمین را گشتم، ترس اضطرابی که در این زمین بر من رخ نمود در هیچ جا رخ نداده بود. همان ساعت جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند عز و جل فرود آمد و عرض نمود: یا نوح، حسین علیه السلام سبط محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران و فرزندان

گرامی اوصیا در این سرزمن کشته می شود حضرت  
نوح پرسید قاتل آن بزرگوار کیست ؟ جبرئیل عرض  
کرد: قاتل او کسی است که اهل هفت آسمان و اهل  
هفت زمین بر او لعنت می کنند پس حضرت نوح  
چهار مرتبه بر آن حرام زاده بد کردار لعنت کرد پس  
کشتی از آن مهکله نجات یافت و از آن سرزمین بلا  
گذشت.<sup>۱</sup>

عبور ابراهیم علیه السلام از کربلا.

روایت شده است که حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی  
سواره به صحرای کربلا بگذشت اسبش رم کرد. آن

---

محن الابرار (ترجمه جلد دهم بحار)، ص 148

جناب از پشت اسب بر روی زمین افتاد و سرش  
بشکست و خون از آن جاری شد پس زبان به  
استغفار بگشاد و گفت : پرودگارا از من چه گناهی  
سر زده است ؟ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت :  
ای ابراهیم ! گناهی از تو صادر نگشت ولکن کشته  
می شود در این محل سبط خاتم الانبیا و پسر خاتم  
الاولیاء، پس خون تو به موافقت خون او ریخته شد  
فرمود: ای جبرئیل ، قاتل او کیست ؟ گفت : قاتل او  
ملعون اهل آسمان ها و زمین و قلم جاری شد بر  
لوح آن پلید پس ابراهیم علیه السلام دست برداشت و  
یزید پلید را لعن بسیار کرد و اسب آن حضرت به

زبان فصیح آمین گفت : ابراهیم <sup>علیه السلام</sup> به او خطاب کرد و فرمود: بر تو چه معلوم شد که آمین گفتی ؟  
گفت : ای ابراهیم ، من همیشه فخر می کردم که تو بر پشت من سوار می شوی و چون تو از پشت من درافتادی خجلت و شرمساری من زیاد شد و سبب این از یزید بود خداوند او را لعنت کند

مرحوم شوشتری <sup>رحمه الله</sup> در خصایص می گوید که شاید محل توسط حضرت ابراهیم <sup>علیه السلام</sup> از اسب همان محل سقوط حضرت امام حسین <sup>علیه السلام</sup> باشد

از اسب خود یعنی در مقتل آن جناب به زمین افتاده  
باشد پس ملاحظه کن فرق این دو سقوط را.<sup>۱</sup>

اولین کسی که لعنت بر قاتل امام حسین علیه السلام  
حضرت ابراهیم علیه السلام بود و امر کرد فرزندان خود  
را عهد و پیمان از ایشان گرفت که پیوسته او را  
لعنت کنند.

پس از آن حضرت موسی علیه السلام او را لعنت کرد و  
امت خود را به آن امر کرد، سپس داود علیه السلام او را  
لعنت کرد و بنی اسرائیل را امر نمود که لعنت کنند  
یزید را سپس حضرت عیسی (علیه السلام) لعنت کرد و

---

وقایع الایام ، ص 152<sup>۱</sup>



بسیار می گفت بنی اسرائیل را که لعنت کنند بر  
قاتلان حسین علیه السلام اگر زمان او را دریافتند در  
خدمت او جهاد کنید کسی که با او شهیدی شود  
چنان است که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) شهید شده  
1. است

گوسفندان حضرت اسماعیل علیه السلام آب نیاشامیدند  
روایت است که گوسفندان حضرت اسماعیل علیه  
السلام در کنار فرات می چریدند. روزی شبان آنها به  
خدمت حضرت اسماعیل علیه السلام آمد و گفت : چند

---

• کشف الغمه ، ج 2، ص 179، دمعہ الساکبه ، ص 1272

روز است که گوسفندان از این نهر آب نمی آشامند  
پس حضرت در مناجات با خدا از سبب این حالت  
سوال کرد همان ساعت حضرت جبرئیل علیه السلام از  
طرف خداوند خدمت حضرت اسماعیل علیه السلام نازل  
شد و گفت: ای اسماعیل سبب این حالت را از  
گوسفندان پیرس، آنها پاسخ را خواهند داد.  
پس آن حضرت از گوسفندان پرسید: چرا از این  
رودخانه آب نمی نوشید؟

گوسفندان به زبان فصیح پاسخ دادند: به ما خبر  
رسیده که فرزند تو حسین - که سبط گرامی محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم است - در این زمین با لب تشنه

کشته خواهد شد پس ما از این آب نمی آشامیم به  
جهت حزن و اندوه برای تشنگی آن بزرگوار

. پس حضرت اسماعیل علیه السلام فرمود: خداوندا

1. لعنت کن بر قاتل حسین علیه السلام

مسافرت حضرت موسی علیه السلام به کربلا

مرحوم خیابانی در ذیل خبری طولانی می گوید:

حضرت موسی علیه السلام دوبار به کربلا رفته است ،

یک بار تنها و بار دیگر با وصی خود یوشع بن نون

چنان که طریحی می گوید: حضرت موسی علیه السلام

با یوشع بن نون می رفت چون به زمین کربلا رسیدند بند نعلین آن حضرت پاره شد و خاری بر پای وی فرو رفت و خون از پایش جاری شد پس عرض کرد: ای خدای من ، چه گناهی از من صادر شد که بدین کیفر گرفتار شدم ؟ خدای بزرگ به او وحی فرستاد که در این موضع خون امام حسین علیه السلام ریخته می شود و خون تو به موافقت خون وی جاری شد.

عرض کرد: خدایا، حسین کیست ؟ خطاب آمد: او فرزندزاده محمد مصطفی و پسر علی مرتضی .  
عرض کرد: قاتل او کیست ؟ ندا رسید: قاتلش یزید

است . پس حضرت موسی علیه السلام دست برداشت و  
بر یزید لعن و نفرین کرد و یوشع بن نون آمین گفت  
1 .

.

حضرت سلیمان علیه السلام و کربلا

سلیمان بن داود علیه السلام بر فرش خود می نشست و  
در هوا سیر می کرد

روزی به سرزمین کربلا نزول کرد

سلیمان به باد گفت : چرا حرکت نمی کنی ؟ باد  
گفت : در این سرزمین حسین علیه السلام کشته می شود  
سلیمان گفت : حسین کیست ؟ گفت : سبط محمد  
مختار صلی الله علیه و آله وسلم و پسر علی کرار. گفت :  
قاتلش که باشد ؟ گفت : لعن انس به دعایش آمین  
. گفته ، باد ورزید و فرش را برداشت

ریان بن شیب از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می  
کند که ایشان فرمود: ای پسر شیب اگر دست داری  
ساکن قصرهای بهشتی با پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم  
باشی ، لعن کن به کشندگان امام حسین علیه السلام <sup>۱</sup>.

---

۱ . الدار المنفصود، ص 151

حضرت زکریا علیه السلام سه روز از مسجد خارج نشد

در حدیث طویل از سعد بن عبدالله اشعری در  
حکایت شرفیاب شدنش به حضور حضرت مهدی  
علیه السلام از امام زمان (علیه السلام) پرسید : خبر ده  
. مرا از تاویل کهیعص

حضرت فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است  
که خداوند بنده خود زکریا را از آن آگاه کرد و  
حکایت آن را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیان  
فرمود و آن چنان است که زکریا از خداوند خواست  
نام پنج تن را به وی آموزد جبرئیل فرود آمد و او را  
بیاموخت و زکریا هر گاه نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم

---

و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام را می برد اندوهش  
برطرف می شد و غمش زایل می گشت و هرگاه نام  
حسین علیه السلام می برد گریه گلوی او را می گرفت و  
نفسش به شمار می افتاد روزی گفت : ای پروردگار  
من ! چون است که وقتی نام چهار کس از آنها را  
می برم از اندوه تسلیت می یابم و هرگاه یاد حسین  
(علیه السلام) می کنم اشکم ریزان می شود و ناله ام  
بیرون می آید ؟

خداوند تبارک و تعالی او را خبر داد و فرمود:  
که یعص پس کاف نام کربلاست و ها هلاکت عترت  
است و یا یزید است که بر امام حسین علیه السلام ستم



می کند و عین عطش حسین است و صاد و صبر و  
شکیبایی آن حضرت.

چون زکریا این بشنید، سه روز از مسجد خود  
بیرون رفت و مردم را از داخل شدن به محضر خود  
منع فرمود و به گریه و ناله پرداخت<sup>۱</sup>

سپس گفت: که خداوند! آیا بهترین خلق خود را به  
مصیبت فرزند وی مبتلا می کنی آیا چنین بلایی بر  
خانه او فرود می آوری؟ آیا علی و فاطمه علیهما السلام  
را لباس سوگواری می پوشانی و اندوه آن را در  
منزل آنها می آوری؟

---

<sup>۱</sup>. نفس المهموم ، ص 20

آن گاه گفتم : ای خدای من ، مرا فرزندی روزی کن  
که در پیریم چشم من به وی روشن شود و چون  
روزی کردی ، مفتون کن مرا به دوستی او آنگاه به  
مرگ او اندوهناکم ساز چنان که رسول خدا صلی الله  
علیه و آله و سلم حبیب را به فرزندش اندوهناک ساختی  
پس خداوند یحیی را به وی بخشید و او را مبتلا کرد  
و حمل یحیی شش ماه بود چنان که حمل حسین علیه  
1. السلام چنین بود

عبور حضرت عیسی علیه السلام از کربلا

روایت شده است که حضرت عیسی علیه السلام در ایام سیاحت با حواریین گذرش به کربلا افتاد ناگاه شیر غرانی بر سر راه ایشان آمد و راه را برایشان بست! عیسی علیه السلام پیش رفت و فرمود: چرا سر راه بر ما گرفته و نمی گذاری که ما عبور کنیم؟ شیر به زبان فصیح گفت: نمی گذارم شما درگذرید مگر این که یزید را کشنده حسین علیه السلام است لعن کنید.

عیسی علیه السلام فرمود: حسین چه کسی است؟ شیر گفت: سبط محمد النبی الامی و ابن علی الولی ، فرزند زاده پیغمبر امی و پسر علی ولی است.

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: قاتل او کیست؟

شیر گفت : قاتل وی ملعون وحوش بیابان ها و  
گرگان و درندگان صحراهاست ، به خصوص در  
روز عاشورا، پس حضرت عیسی علیه السلام دست  
برداشت و لعن و نفرین کرد بر یزید، و حواریین  
آمین گفتند و شیر از راه دور شد و ایشان به مقصد  
1. خود رفتند

خبر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از  
شهادت امام حسین علیه السلام

---

• وقایع الایام خیابانی ، ص 160<sup>1</sup>

40. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در منزل ام سلمه بود، فرمود: نگذار کسی داخل شود، حسین علیه السلام آمد زمانی که طفل بود ام سلمه نتوانست جلو او را بگیرد، حسین علیه السلام بر جدش وارد شد دید حسین علیه السلام بر بالای سینه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفته است و حضرت رسول گریه می کند.

ام سلمه سبب گریه حضرت را پرسید؟ حضرت فرمود: ای ام سلمه ، جبرئیل به من خبر داد که حسین تو کشته می شود، این تربت را که جبرئیل برایم آورده است هم به تو بدهم در نزد تو باشد در

شیشه ای بگذار، زمانی که خون شد آن وقت حسین  
1. من کشته می شود

### ایه الله بهجت و عزاداری حسینی

41. حجه الاسلام علی بهجت فرزند ایه الله العظمی  
بهجت فرمودند:

پدرم گریه بر سیدالشهدا علیه السلام را افضل مستحبات  
و حتی از نماز شب بالاتر می دانست. ایشان می گفت  
این حرف چیست که می گویند گریه یعنی چه؟ خیلی  
از انبیاء از خوف خدا بکاء داشته اند. آیا از شوق لقاء  
خدا بکاء نداشتند؟ گریه از شوق رسیدن به معشوق  
حقیقی عالم داشته اند.

---

مقتل خوارزمی، چاپ نجف، ص 163<sup>1</sup>

خود انبیاء برای امام حسین (علیه السلام) گریه می کردند. آنها وقتی عظمت کار امام حسین (علیه السلام) را درک کردند، اشکشان جاری شد و توسل پیدا کردند. این مسئله، تک بودن و عظمت کار امام حسین (علیه السلام) را نشان می دهد.

پدرم می گفت: خیال می کنم گریه بر سیدالشهدا (علیه السلام) از افضل مستحبات باشد. گریه بر سیدالشهدا (علیه السلام) از همه مستحبات بالاتر است حتی از نماز شب بالاتر است.

**گریه، اذن دخول و محرم شدن انسان است**

پدرم می گفت: گریه، رابطه انسان با آن طرف عالم است. گریه، واسطه و رابطه است. وقتی که می خواهید وارد حرمی شوید و پا به حریمی بگذارید، طلب اجازه

می‌کنید و اذن دخول می‌گیرید. می‌گویید یا خداوند  
وارد شوم؟ یا پیامبر وارد شوم؟ یا امام وارد شوم؟ در  
روایت است که اگر برای اذن دخول زیارت امام  
حسین (علیه السلام) اشک از چشمت جاری شد، بدان  
.اجازه داده شده است

پس این اشک رابطه انسان با ماوراء است. این اشک  
یک نشانه است. یک رمز است. فقط یک اتفاق فیزیکی  
نیست.

پدرم تأکید داشت خود گریه یک اذن و اجازه است.  
مثل چراغی است که روشن می‌شود و برای تو نشانه  
است. اگر اشکی آمد، علامت این است که به تو اذن  
داده‌اند. این عین عبارت آقا است



آیت الله بهجت، 50 سال هر هفته مراسم داشتند و  
خودشان جلوی در می نشستند

مسئله روضه اباعبدالله (علیه السلام) اینقدر برای آیت الله  
بهجت مهم بود که حدود 40، 50 سال هر هفته مجلس  
داشتند و ایشان حاضر نبود به این سادگی این کار را  
ترک کند. حتی در حال مریضی اصرار داشت که این  
مجلس باید برقرار شود و اصرار داشت که خودش باید  
حضور داشته باشد. خیلی برایش مهم بود که از اول  
مجلس حضور داشته باشد.

سالها این مجلس روضه در منزل ایشان بود و پدرم  
درها را باز می کرد و خودش دم در می نشست و برای  
هر کسی که وارد می شد، احترام می کرد. هیچ وقت  
اینگونه نبود که برای شخصیت خاصی بلند شود و  
برای همه این احترام را قائل می شد.

استاد آیت الله بهجت پای سماور می نشست و در روضه  
سیدالشهدا (علیه السلام) چای می داد

ایشان می گفت: استاد بزرگ ما، مرحوم غروی کمپانی  
(آیت الله کمپانی اصفهانی) که از لحاظ علمی در سطح  
بالایی بود، در مجالس روضه ابا عبدالله (علیه السلام) پای  
سماور می نشست و چای می داد.

هر مجلسی برای هر امامی برگزار می کنید آخرش با  
امام حسین (علیه السلام) تمام کنید

مطلب دیگری که پدرم در این روضه ها بر آن اصرار  
داشت این بود که مجلس به مناسبت هر امامی که  
برگزار شده بود، باید آخرش به امام حسین (علیه السلام)  
ختم می شد.

ایشان تأکید می کرد امام حسین (علیه السلام) منشأ همه اینهاست و اینقدر بزرگ است که همه اینها به او متوسل می شدند. نه تنها امامان، بلکه قبل تر از آن پیامبران نیز به ایشان متوسل می شدند.

### این توسلات انسان را خدایی می کند

سفارش پدرم همیشه این بود که خدا می داند این توسلات برای انسان چه می کند. این توسل برای انسان یک ارتباط است. چطور وقتی یک لامپ را به برق وصل می کنیم، نور می دهد. انسان اگر به اینها متوسل شود، اسباب وصل می شود.

انسان وقتی به آنها متصل شود، انگار به خدا متصل شده است. این توسلات انسان را خدایی می کند. نظر

ایشان این بود که انسان هرچه می تواند در این زمینه کم نگذارد. لذا خود ایشان با آخرین توانش می آمد

وصیت نامه آیت الله بهجت درباره عزاداری برای امام

حسین علیه السلام

ایشان در وصیت نامه خود ذکر کردند که بعد از من از ثلث مانده هایم، مجلس عزا و روضه سیدالشهداء (علیه السلام) را اقامه کنید

ایشان می گفت اگر من در عمرم 50 سال مراسم گرفتم، کم است و بعد از من شما باز هم برایم مراسم روضه اباعبدالله (علیه السلام) را بگیرید

زیارت عاشورا را هر روز با صد لعن و صد سلام

می خواند

آیت الله بهجت هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام می خواند و بارها می گفت: آقای از خدا خواسته بود تا زیارت عاشورایش هیچ روزی ترک نشود حتی در روز مرگش. ایشان نمی گفت که این درخواست خود من است. در حالیکه ما می دیدم. خودش هر روز این کار را می کرد.

ایشان روز یکشنبه رحلت کرد. یک روز قبلش که شنبه بود، دیدم ایشان مشغول خواندن زیارت عاشورا شده بود و هنگامی که برای رفتن به درس جلوی در ایستاده بود، صد لعن و صد سلام را با تسبیح می شمرد. آن روز از همه روزها سرحال تر بود.

شرکت در مجالس روضه سیدالشهداء (علیه السلام) تعظیم  
شعائر است

یکی از کارهای ایشان این بود که در مراسم مختلفی که برای اباعبدالله (علیه السلام) گرفته می شد، به اندازه توانشان شرکت می کردند. از زمان قدیم که من بچه بودم، ایشان به شرکت در این مجالس التزام داشت. شرکت در مجالس این بزرگواران را عظمت بخشیدن به یاد و نام آنها می دانست.

لذا می گفت شرکت در این مجالس تعظیم شعائر است. ما باید به شعائر خود عظمت بخشیده و عزیز نگه داریم و برایمان مهم باشد و به آنها اعتنا کنیم و برایشان وقت بگذاریم و عمر عزیز خود را صرف آن کنیم.

**این روزها لبخند هم نمی زد**

مطلب دیگر اینکه خنده ایشان اصولاً صدا نداشت و همیشه در حد یک لبخند بود. اما در این روزها ایشان

اصلاً همان لبخند را هم نداشت و پیوسته گرفته بود و به یاد امام حسین (علیه السلام) در حزن بود و می گفت: همین به یاد آنها بودن را فقط خدا می داند چقدر اجر دارد.

در مجالس، برتری ها و امتیازات اهل بیت (علیه السلام) را بگویید

ایشان اصرار داشت وقتی مجلس می گیرید، برتری ها و امتیازات اهل بیت (علیه السلام) را بگویید. فضائل و مناقب این حضرات را بگویید و نسبت به این قضیه ابراز احساسات کنید. حتی اگر گریه و اشک شما نمی آید، حالت گریه به خود بگیرید و در حال حزن باشید. تباهی کنید.

شرکت در مراسم امام حسین (علیه السلام) همان محبت  
ذی القربی و اجر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)  
است

آیت الله بهجت همیشه می گفت شرکت در مجالس  
سیدالشهدا (علیه السلام) محبت به ذی القربای پیامبر (صلی الله  
علیه و آله و سلم) است. در آیه قرآن است که شما به  
ذی القربای پیامبرتان محبت کنید. پیامبر (صلی الله علیه و آله و  
سلم) فرمود من پیامبر شما بودم و از شما چیزی  
نمی خواهم و اجر و مزدی جز محبت به نزدیکانم  
نمی خواهم.

پدرم می گفت شرکت در مراسم امام حسین (علیه السلام)  
همان ابراز عشق و محبت است. همان دوستی و محبت  
ذی القرباست که خداوند دستور داده است. این شرکت  
در مراسم اجر رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.



شما به این نیت برو و به خدا بگو تو گفتی و من هم آمدم. من همان محبتی را که تو می خواهی انجام می دهم.<sup>1</sup>

می گویند اگر امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا پیروز شد چرا آن روز را جشن نمی گیریم؟

42. چرا گریه می کنیم؟ آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ برای چیست؟ گریه زبان صادق و طبیعی شوق و اندوه و درد و عشق یک انسان است. گریه تجلی طبیعی یک احساس و حالتی جبری و فطری از یک رنج، یک شوق یا یک اندوه می باشد یکی از دانشمندان غرب می گوید:

---

1 <http://www.mashregnews.ir/fa/news/183492/>

«انسانی که هرگز نمی‌گیرد و گریستن را نمی‌داند  
احساس انسانی را فاقد است».

مگر نه اشک زیباترین شعر و بی‌تاب‌ترین محبت و  
پرگدازترین ایمان و تب‌دارترین احساس و  
خالصترین «گفتن» و لطیف‌ترین «دوست داشتن»  
است که همه در کوره دل به هم آمیخته و ذوب شده  
و قطره‌ای گرم شده اند به نام اشک؟ مگر نه قلب،  
قالب اشک است و اشک در قلب شکل می‌گیرد  
ولذا اشک شبیه قلب است:

ای بسا قلبهای سوزانی

که زبان راز آن نگوید باز

لیک آن دیدگان نورانی

راز دلدادہ می کند ابراز

گریہ ترجمان دل است مثلاً کسی کہ عزادار است و  
مرگ عزیزِ قلبش را می سوازند، باید گریہ کند.  
وقتی کہ دلش یاد از او می کند و زبانش سخن از او  
می گوید چشمش نیز با او ہمدردی می کند مگر  
چشم از زبان صادقانہ تر سخن نمی گوید؟!

از من می پرس کاتش دل درچہ غایت است

از آب دیدہ پرس کہ او ترجمان ماست

اشک چشم نشانہ رقت قلب است کسی کہ از صحنہ  
دلخراش منقلب نمی شود تا اشک تأثر بریزد و نیز از  
حقیقت و جلوہ زیبائی لذت نمی برد تا اشک شوق

جاری گرداند از قلب سلیم و روح متعادل برخوردار  
نیست.

امیرمومنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«خداوند متعال افرادی را که به هنگام استماع قرآن  
تحت تأثیر قرار نمی گیرند و از شنیدن آیات مربوط  
به قیامت تعجب نمی کنند، و خنده می نمایند، مورد  
سرزنش قرار می دهد و می فرماید: (تضحکون و لا  
تبکون)

و نیز فرموده: (بکاء العیون و خشية القلوب من  
رحمة الله تعالى)<sup>1</sup>

---

ارشاد القلوب: ص. 128<sup>1</sup>

چنانکه «جمود عین» و محروم بودن از اشک و گریه  
از خوف خدا نشانه قساوت قلب و شقاوت معرفی  
شده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«من علامات الشقاء: جمود العین، قسوة القلب...»<sup>۱</sup>

در مقابل، آن دسته از مومنانی که بصیرتی روشن  
قلبی رؤوف و احساسی پاک و شفاف دارند در زبان  
قرآن کریم با جمله (یبکون و یزیدهم خشوعاً) و  
(سجداً و بکیاً) مورد ستایش قرار گرفته اند. قهراً  
این نوع افراد در برابر عظمت مردان خدا اشک شوق

---

بحار الانوار: ج 90 ص 1336<sup>1</sup>

و به خاطر مظلومیت آنان هم اشک غم و اندوه از چشم خود جاری می کنند.

نام حسین (علیه السلام) با گریه همراه است

آن گونه که از متون اسلامی استفاده می شود نام حسین (علیه السلام) با گریه و ناله آمیخته است و قبل از شهادتش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنین علی (علیه السلام) و مادرش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر او گریسته اند. طبق روایات فراوانی، چون حضرت حسین (علیه السلام) تولد یافت جبرئیل به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و خبر شهادت آن نوزاد را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پدر و مادرش داد و آنان از همان ایام برای حسین (علیه السلام) گریستند. طبق روایتی که از عایشه نقل شده است حسین (علیه

السلام) کودک خردسال بود که وارد خدمت پیامبر  
گردید همان موقع جبرئیل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و  
آله) ابلاغ کرد: زمانی نمی گذرد که این کودک را  
افرادی از امت تو در سرزمین «طف» از خاک عراق  
به قتل می رسانند «فبکی رسول الله (صلی الله علیه و آله)»  
اما جبرئیل افزود: «لا تبک، فسوف ینقم الله منهم،  
بقائمکم اهل البیت<sup>۱</sup>» «گریه نکن در آینده خداوند به  
وسیله قائم اهل بیت از آنها انتقام می گیرد».

«ابن عباس» می گوید به هنگام رفتن به «صفین» من  
همراه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بودم چون در کنار  
شط فرات به «نینوا» وارد شد، امام (علیه السلام) با  
صدای بلند گریست و فرمود: ای پسر عباس این

---

بحار الانوار: ج 36 ص 349<sup>1</sup>

محل را می شناسی؟ گفتم: نمی شناسم ای  
امیرمؤمنان. فرمود اگر اینجا را مثل من می شناختی  
هرگز از اینجا رد نمی شدی مگر این که مثل من  
گریه سر می دادی ابن عباس گفت: «فبکی طویلا  
حتى اخضلت لحيته و سألت الدموع علی صدره  
وبکینا معا»: «آن حضرت گریه مفصلی کرد به طوری  
که اشک از روی محاسن او جاری شد ما هم  
همصدا با علی (علیه السلام) گریه سردادیم». بعد امام  
ادامه داد: وای، من با آل ابوسفیان چه کرده ام، سپس  
افزود: در این سرزمین که (کرب و بلا نامیده می  
شود) هفده نفر از فرزندان من و فاطمه به شهادت  
می رسند و مدفون می گردند<sup>۱</sup>



طبق روایت امام صادق (علیه السلام) روزی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و آن حضرت را گریان دید از علت گریه اش پرسید؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که حسین (علیه السلام) را گروهی از امت من به قتل می رسانند! فاطمه (علیها السلام) نیز از شنیدن این خبر به شدت گریست ولی وقتی از مقام بلند فرزندش به خاطر شهادت آگاه گردید آرامش و تسکین یافت.<sup>۱۰</sup>

داستان گریه و عزاداری پس از شهادت آن حضرت از سوی امامان (علیهم السلام) داستانی مفصلی است که به ذکر چند مورد اکتفا می کنیم:

---

کامل الزیارات، ص. ۱۵۷

امام سجاد (علیه السلام) که خود در کربلا شاهد مصائب دلخراش امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش بود پس از واقعه عاشورا تا زمانی که در قید حیات بود این واقعه سوزناک را فراموش نکرد و همیشه گریه و سوگواری نمود او هر وقت می خواست آب بنوشد تا چشمش به آب می افتاد اشک از چشمانش سرازیر می شد وقتی علت این کار را می پرسیدند می فرمود چگونه گریه نکنم درحالی که یزیدیان آب را برای وحوش و درندگان آزاد گذاشتند ولی آن را به روی پدرم بستند و او را با لب تشنه کشتند. می فرماید هر وقت کشته شدن فرزندان فاطمه (علیها السلام) رابه یاد می آورم گریه گلویم را می گیرد. وقتی هم افرادی وی را دلداری می دادند، می فرمود: «کیف لا

أبکی؟ و قد منع أبی من الماء الذی کان مطلقا للسباع والوحوش»<sup>۱۰</sup>

امام سجاد (علیه السلام) در عزای پدر مظلوم خویش به حدی گریست که او را یکی از بگائون پنج گانه تاریخ لقب دادند<sup>۲۰</sup> وقتی راز آن همه گریه را از آن حضرت می پرسیدند، مصائب جانگداز کربلا را بازگو می کرد و می فرمود: مرا ملامت نکنید، یعقوب، پس از آن که یک فرزند خود را از دست داد آنقدر گریست تا از غصه چشمهایش سفید شد در حالی که یقین به مرگ فرزندش نداشت. از فراق روی یک یوسف اگر یعقوب سوخت

مناقب: ج 3، ص 303 بحار الانوار: ج 46، ص 109<sup>1</sup>  
دیگران عبارتند از: آدم، حضرت نوح، یعقوب و حضرت فاطمه زهرا الخصال: ص 283

هجر هفتاد و دو یوسف کرده خونین دل مرا  
در حالی که من به چشم خود دیدم که در یک  
نیمروز چهارده نفر از اهل بیت مرا سر بریدند انتظار  
دارید داغ آنها از دلم بیرون برود؟!<sup>۱</sup>  
او نه تنها در ماتم پدر بزرگوارش اشک می ریخت  
بلکه مومنان را نیز ترغیب به گریستن در عزای آن  
مظلوم می کرد: «ایما مومن دمت عیناه لقتل الحسین  
حتی تسیل علی خده بواه الله بها فی الجنة غرفا  
یسکنها احقبا»<sup>۲</sup>

---

امالی صدوق، مجلسی، 29، ص. 121<sup>۱</sup>

ثواب الأعمال: ص. 83<sup>۲</sup>

«هر مؤمنی که بر شهادت حسین (علیه السلام) آن قدر بگرید که اشک بر گونه اش جاری شود خداوند برای او غرفه هائی در بهشت آماده می سازد که تا ابد در آن اقامت خواهد کرد.»

امام باقر (علیه السلام) برای امام حسین (علیه السلام) اشک می ریخت و به هر کس هم در خانه او بود دستور می داد گریه کند. و در منزل آن حضرت مجلس عزاء و سوگواری برای امام حسین (علیه السلام) تشکیل می گردید و حاضران مصیبت آن حضرت را به هم تسلیت می گفتند.<sup>۱۰</sup>

«عبد الله بن سنان» می گوید: در روز عاشورا به حضور امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم آن

---

ثواب الأعمال: ص 183

حضرت را رنگ پریده و بسیار غمگین و گریان  
یافتم، علت آن را از امام پرسیدم، فرمود: امروز  
عاشورا است و در چنین روزی جد ما امام حسین (علیه  
السلام) شهید شده است.<sup>۱۰</sup>

امام صادق (علیه السلام) به «ابو هارون مکفوف» دستور  
داد مرثیه بخواند آنگاه که وی مرثیه خود را آغاز  
نمود متوجه شد امام (علیه السلام) سخت گریه می کند  
و زنانی که پشت پرده بودند همینکه صدای گریه  
امام صادق (علیه السلام) را شنیدند آنها نیز صدای خود  
را به گریه و شیون بلند کردند؛ بعد امام فرمود: «من

---

بحار الانوار: ج ۹۸، ص ۳۰۹<sup>۱</sup>

انشد فی الحسین شعرا فبکی وابکی عشرا کتب له  
الجنة»<sup>۱</sup>. «هر کس در مصیبت حسین (علیه السلام) شعر  
بگوید و گریه کند و ده نفر را بگریاند بهشت بر او  
نوشته می شود».

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: روش پدرم امام  
موسی بن جعفر (علیه السلام) این بود که هرگاه ماه  
محرم می رسید پیوسته غمگین بود تا دهه عاشورا  
سپری شود روز عاشورا روز گریه و ماتم او بود و  
می فرمود: «هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین»<sup>۲</sup>.  
امام رضا (علیه السلام) فرمود محرم ماهی است که اهل  
جاهلیت در آن ماه جنگ و خونریزی را حرام می

دانستند ولی دشمنان در آن ماه خون ما را ریختند  
حرمت ما را شکستند زنان و فرزندان ما را به اسارت  
گرفتند و به خیمه های ما آتش زدند اموال ما را  
غارت نمودند و حرمت رسول خدا را در حق ما  
رعایت نکردند.

«ان يوم الحسين اقرح جفوننا و أسبل دموعنا و أذل  
عزیزنا بأرض كربلا .... علی مثل الحسین (علیه السلام)  
فلیک الباکون، فان البکاء علیه یحط الذنوب  
العظام.»<sup>1</sup>



«کشته شدن امام حسین (علیه السلام) اشکهای ما را  
ریزان و پلکهای چشمان ما را مجروح و در کربلا  
عزیز ما را ذلیل کرد... گریه کنندگان باید بر حسین  
(علیه السلام) گریه کنند . گریه بر او گناهان بزرگ را می  
ریزد».

امام رضا (علیه السلام) به «ریان بن شیب» فرمود: «ان  
كنت باکيا لشیء فابک للحسین بن علی فانه ذبح  
کما یذبح الکبش و قتل معه من أهل بیتة ثمانیه عشر  
رجلا ما لهم فی الارض شییهون...».

«اگر بخواهی به چیزی گریه کنی بر حسین بن علی  
(علیه السلام) گریه کن زیرا سر آن حضرت را مثل سر  
گوسفند بریدند و با او هجده مرد از اهل بیتش کشته  
شدند که در دنیا بی نظیر بودند».

سپس به «ابن شیب» فرمود: «اگر دوست داری در درجه های بلند بهشت با ما باشی، غمگین باش از برای غمگینی ما و شاد باش از برای شادمانی ما».<sup>1</sup>

حتی به موجب بعضی از روایات امام زمان (علیه السلام) نیز مدام بر سید الشهداء اشک می ریزد و می گوید:

«ای جد بزرگوار! روزگار مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم به یاری تو بشتابم و با دشمنانت پیکار کنم در عوض: «فلانذبک صباحاً و مساءً و لأبکین لک بدل الدموع دما حسرةً علیک..»<sup>2</sup> «هر صبح و شام بر مصائب تو گریه می کنم، اگر اشک چشمم تمام شود، به جای آن خون می گیرم».

---

وسائل الشیعه ج 10 ص 393 ح 15.

بحار الانوار: ج 98 ص 320.

حتی به موجب روایات فراوانی که نقل شده است،  
همه کس و همه چیز خورشید و آسمان و زمین و  
فرشتگان روز عاشورا بر آن حضرت گریه می کنند  
۱.

شاعر پر شور «فؤاد کرمانی» با استفاده از این  
روایات چنین سروده است:

تا ندا کرد ولای تو، در اقلیم الست  
بهر لبیک فدایت، دو جهان پر زداست  
کشته شد عالم دهری، چو تو در عالم دهر  
دهر تا روز قیامت شب اندوه و عزاست

در غمت اعین و اشیاء همه از منطق کون  
هر یکی مویه کنان بر دگری نوحه گر است  
رفت بر عرشه نی تا سرت ای عرش خدا  
کرسی و لوح و قلم بهر عزای تو پیاست  
منکسف گشت، چو خورشید حقیقت به جمال  
گر بگریند زغم دیده ذرات رواست.<sup>۱</sup>

موضوع قابل توجه این است که «عبد الله بن فضیل  
هاشمی» از امام صادق (علیه السلام) سوال می کند: چرا  
روز عاشورا این چنین روز مصیبت و غم و اندوه  
و عزاداری گردید؟ اما روز وفات پیامبر اکرم

---

شمع جمع: ص ۱۷۸<sup>۱</sup>

وامیر مؤمنان و فاطمه زهرا و امام مجتبی (علیهم السلام) که با زهر مسموم شد این چنین نشد؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ان يوم الحسين أعظم مصيبة من جميع سایر الايام... فكان ذهابه كذهاب جميعهم...»<sup>۱</sup>

روز حسین عاشورا از لحاظ مصیبت از تمام روزها عظیم تر است... زیرا حسین (علیه السلام) تنها باقی مانده اصحاب پنج گانه کساء است که رفتن او، مثل رفتن همه آنهاست».

«بر آن فاجعه زمین و آسمان و آنچه ما بین آندواست اشک خون گریست».<sup>۲</sup>

وسائل الشیعة: ج 10، ص 394، 392 علل الشرایع، ص 186.

2 <http://www.hawzah.net/fa/article/view/65101>

شَرکتِ امامِ زمانِ علیهِ السلام در عزاداری سید  
الشهداء (علیه السلام)

43.

درباره ی سید بحر العلوم میگویند

روز تاسوعا در بین الحرمین شاگردانشان دور ایشان  
حلقه زده بودند، یک دفعه دیدند این مرجع بزرگوار  
با آن سن و سال ، عمامه اش را از سرشان برداشتند،  
پاهایشان را از نعلینش در آوردند ، پا برهنه می  
:دوید، و به سر می زد، و می گفت

عَلَى الْعَبَّاسِ وَأَوِيلاً

## حسین تنهاس واویلا

شاگردان گفتند: آقا شما مرجع هستید، شما سنی  
ازتان گذشته آقا جان، چرا اینطوری سینه می زنید؟

شما آروم سینه بزنید، اینجوری سر را برهنه  
نکنید، آشفته نشوید.

ایشان گفتند: چی می فهمید شما؟! من خودم دیدم  
که حضرت بقیه الله (علیه السلام) با سر و پای برهنه در  
میان سینه زنان حاضرند و در حالی که به شدت  
گریه می کنند، بر سر و سینه خود می زنند. با دیدن

این صحنه من دیگه نتوانستم طاقت بیاورم، از خود  
1...بی خود شدم

پیوند بین امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (علیه  
السلام)

44. و من قُتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا  
یسرف فی القتل انه کان منصوراً<sup>2</sup>

این ایه شریفه درباره امام حسین (علیه السلام) و امام  
زمان (علیه السلام) است. مظلوم امام حسین (علیه السلام)  
است و ولی او برای انتقام، مهدی (علیه السلام) است که

---

1 <http://babolharam.mihanblog.com/post/3885>

2 اسراء 33



اگر همه جمعیت کره زمین (از نسل قاتلین امام حسین) را بکشد در انتقام اسراف نکرده است.

پیوند عجیبی بین محرم و امام زمان (علیه السلام)

است. محرم ماه غم و اندوه و حزن و مصیبت امام زمان (علیه السلام) است. و منتظران امام زمان (علیه السلام) هم همانند امامشان، دوماه محرم و صفر را عزاداری می نمایند. و اینکه مردم در محرم برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری می کنند جزو مصادیق انتظار فرج می باشد.

زیرا محرم و صفر است که دل‌های مردم را با ولایت پیوند می زند. مردم را با امام حسین (علیه السلام) مرتبط می سازد. و کسی که با امام حسین (علیه السلام) ارتباط

پیدا کرد، با همه امامان (علیه السلام) ارتباط پیدا می  
کند. مخصوصاً با امام زمان (علیه السلام) که منتقم خون  
حسین (علیه السلام) است.

هر جمعه دعای ندبه خونها صدا می زنند این الطالب  
بدم المقتول کربلا

کجاست کسی که انتقام خون شهید کربلا را می  
گیرد.

و اینکه منتظران منتظر ظهور هستند علاوه بر اینکه  
منتظرند امام زمان (علیه السلام)، جهان را پر از عدالت  
کند، منتظرند انتقام شهید کربلا را بگیرد

انتظار در محرم پر رنگ تر می شود. و پیوند بین امام حسین (علیه السلام) که قیام کرد تا اسلام حفظ شود تا عدالت حاکم گردد تا ظلم از بین برود با قیام جهانی امام زمان (علیه السلام) که انهم برای از بین بردن ظلم و ظالمان است و برای برقراری عدالت در زمین است، ظاهر می شود.

و هر که عاشق حسین (علیه السلام) است، عاشق امام زمان (علیه السلام) هم هست.

انی سلم لمن سالمکم یعنی من با هر که دوست شما امامان ع باشد سازش و صلح می کنم و عدو لمن عاداکم. و با هر که با دشمنی بوزد دشمن خواهم بود.

پس در نتیجه من با منتظران مهدی (علیه السلام) دوستم  
و با دشمنان مهدی دشمنم.

و این هم تولی و تبری است که در محرم جلوه گر  
می شود.

منتظران مهدی (علیه السلام) در محرم و صفر بیاد امام  
زمان عج که بیش از هزار سال است در عزای جدش  
گریه می کند، گریانند. و می دانند در کره زمین  
شخصی نیست که مانند امام زمان (علیه السلام) برای امام  
حسین (علیه السلام) عزاداری و گریه کرده باشد.

منتظران مهدی (علیه السلام) از امامشان یاد می گیرند که  
تا آخر عمر عزادار حسین (علیه السلام) مظلوم باشند زیرا

مصیبت حسین (علیه السلام) بزرگترین مصیبت در آسمان و زمین بوده است. مصیبه ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام و فی جمیع السماوات والارض.

مرحوم کلینی در «روضه کافی» به سند خود از

جعفی روایت می کند که :

((امام باقر (علیه السلام) فرمودند: منتهای زمان رابطه نزد

شما چند روز است؟ عرضه داشتیم: چهل روز ،

فرمودند: ولی رابطه ما رابطه ای است که همیشه

هست.))

مرابطه، چنانکه فقها در کتاب جهاد گفته‌اند، این  
است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و  
نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی و  
یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله‌ای علیه  
مسلمانان می‌رود، به حال آماده باش و در کمین به  
سر برد. این عمل در زمان غیبت امام معصوم<sup>(علیه)</sup>  
السلام، مستحب است.

و این آماده باش منتظران ظهور مهدی (علیه السلام) در

محرم به اوج خود می رسد. انتظار ظهور در محرم و

صفر برای مردم بیشتر می شود

انان در زیارت عاشورا می خوانند که:

**ان یرزقنی طلب ثاری کم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم**

یعنی خدایا به ما توفیق بده در رکاب امام مهدی (علیه

السلام) در انتقام خون شما اهل بیت (علیهم السلام)

شرکت نمائیم

محرم، منتظران را بیاد امام زمان (علیه السلام) و انتقام ان  
حضرت از قاتلین جدش حسین (علیه السلام) می  
اندازد. و اینکه امام زمان (علیه السلام) همان امام حسین (علیه  
السلام) است زیرا امامان ما همه نور واحد هستند و  
اعمال همه امامان یکی است اگر امام حسن (علیه السلام)  
هم در موقعیت امام حسین (علیه السلام) بود او هم قیام  
می کرد و اگر امام حسین (علیه السلام) در موقعیت امام  
حسن (علیه السلام) بود صلح می نمود.

نکته دیگر این است که منتظران ظهور معتقد به  
رجعت هستند. یعنی بعد از اینکه امام مهدی (علیه  
السلام) حکومت جهانی تشکیل دادند و سالیان سال  
حکومت نمودند. و سپس رحلت کردند. امام حسین



(علیه السلام) زنده می شود و به دنیا بر می گردد و بر بدن  
امام زمان (علیه السلام) نماز می خواند و حضرت را دفن  
می کند. سپس حکومت امام حسین (علیه السلام) شروع  
می شود. و سالیان سال بر جهان حکومت می نماید.  
و این پیوند دیگری بین امام حسین (علیه السلام) و امام  
زمان (علیه السلام) را نشان می دهد.

و منتظران باید به همه این حوادث مبارک اعتقاد  
داشته باشند. یکی ظهور امام زمان (علیه السلام) و  
حکومت ان حضرت و یکی هم حکومت امام  
حسین (علیه السلام) که البته بعد از حکومت امام  
حسین (علیه السلام)، امیرالمومنین (علیه السلام) زنده می شود و  
حکومت اهل بیت را ادامه می دهد. که در روایات

آمده حکومت اهل بیت (علیه السلام) پنجاه هزار سال طول  
می کشد.<sup>1</sup>

### چهار عضو سیدالشهداء (علیه السلام) از کار افتاد

45. مرحوم شیخ جعفر

شوشتی می گوید: در روز

عاشورا، چهار جا، چهار

عضو بدن ابی عبدالله به

خاطر بی آبی از کار افتاده

بود، که حتی شاید اگر آب

---

<sup>1</sup> از عالم بعد از مرگ چه خبر؟

هم می دادند، کار از کار  
گذشته بود و فایده نداشت.

اولین جایی که از عطش از  
کار افتاد چشمان امام حسین  
(علیه السلام) بود، امام صادق (علیه  
السلام) می فرماید: جدّ ما در  
روز عاشورا، از شدت عطش  
چشمانش آسمان را دود می  
دید.

دومین عضو، لبهای آقا بود،  
می دونی چرا؟ حمیدبن  
مسلم می گه دیدم لب های  
حسین علیه السلام مانند دو

چوپ خشک شده به هم می  
خورد، دیدم از لبهای حسین  
داره خون می آید.

سومین عضو زبان حضرت  
بود، همان زمان که علی اکبر  
را بغل گرفت، زبان در دهان  
علی گذاشت، علی اکبر دید  
بابا از خود او تشنه تر است.

چهارمین عضو جگر حسین  
بوده، هلال بن نافع می گوید،  
آدم نزدیک گودال، جنگ  
تمام شده، از بالای گودال  
نگاه کردم، دیدم لبهای حسین

تکان می خورد، نزدیک تر  
رفتم، گفتم شاید حسین  
نفرین می کنه، دیدم می  
گوید: «لشگر جگرم از  
تشنگی می سوزد» از گودال  
آمد بیرون، سریع رفتم آب  
آورد، دیدم شمر داره بیرون  
می آید، گفت کجا می روی،  
گفتم می روم پسر فاطمه را  
سیراب کنم، گفت زحمت  
نکش، من سیرابش کردم ...<sup>۱</sup>

## درباره شیخ جعفر شوشتری

46. آن عالم ربانی خود نقل کرده است:

«زمانی که از تحصیلات علمی خویش در حوزه نجف فارغ شدم و به وطن خود شوشتر باز گشتم، با تمام وجود دریافتم که باید در هر چه بیشتر و بهتر آشنا ساختن مردم با معارف قرآن و اسلام بکوشم. به همین جهت، در گام نخست تصمیم گرفتم که روزهای جمعه را منبر بروم و پس از آن با فرا رسیدن ماه رمضان، به خاطر انجام این مسئولیت به منبر خویش ادامه دادم.

اما شیوه کار این گونه بود که تفسیر صافی را به دست می گرفتم و از روی آن مردم را وعظ و ارشاد

می کردم و در آخرین بخش منبر هم به بیان مشهور و معروف که هر غذایی نیاز به نمک دارد و نمک مجلس وعظ و ارشاد نیز روضه و یادآوری و بازگویی مصائب جانسوز عاشورا و حسین علیه السلام است، به ناچار از کتاب روضه الشهداء مقداری مرثیه می خواندم.

ماه محرم را نیز که در پیش بود، به همین صورت گذراندم؛ اما به هیچ عنوان توانایی جدایی از کتاب و منبر رفتن بدون کتاب را نداشتم و مردم نیز بدین صورت بهره کافی نمی بردند؛ اما به هر حال، حدود یک سال بدین صورت گذشت.

سال بعد با فرا رسیدن محرم با خود زمزمه کردم که تا چه زمانی باید کتاب در دست گیرم و از روی کتاب، مجلس و منبر را اداره کنم! و تا کی نتوانم از حفظ منبر بروم! باید چاره ای بیندیشم و خویشتن را از این وضعیت ناگوار نجات بخشم؛ اما هر چه در این مورد اندیشیدم، راه به جایی نبردم و بر اثر فکر زیاد، خستگی سراسر وجودم را فرا گرفت و از شدت نگرانی به خواب خوشی فرو رفتم.

در عالم روعیا دیدم که در سرزمین کربلا هستم، آن هم درست به هنگامی که کاروان حسین (علیه السلام) در آنجا فرود آمده است.



به همه جا نگریستم، چشمم به خیمه ای بر افراشته افتاد. دریافتم که سپاه دشمن در صفهائی فشرده بر گرد خیمه حسین (علیه السلام) گرد آمده اند، گام به پیش نهادم.

دیدم خود حسین (علیه السلام) در درون آن خیمه نشسته است، وارد شدم. سلام گرمی نثار آن سیمای نور افشان کردم که حضرت مرا در نزدیکی خویش جای داد و به حبیب بن مظاهر فرمود:

«حبیب! شیخ جعفر، میهمان ماست، باید از میهمان پذیرایی کرد. درست است که آب در خیمه نیست، اما آرد و روغن موجود است، به پاخیز و برای میهمان غذایی آماده ساز!» حبیب بن مظاهر به دستور

حسین (علیه السلام) برخاست و پس از لحظاتی چند به خیمه وارد شد و غذایی پیش روی من نهاد. فراموش نمی کنم که قاشقی هم در ظرف غذا بود.

چند قاشقی از آن غذای بهشتی صفت، خورده بودم که از خواب بیدار شدم و دریافتم که از برکت زیارت آن حضرت و عنایت او، نکات و لطائف و کنایات و ظرافتهایی از آثار خاندان وحی و رسالت بر من الهام شده است که تا آن ساعت، بر کسی الهام نگشته و فهم کسی بر آنها از من پیشی نگرفته بود.»<sup>۱</sup>

---

ویژگیهای امام حسین (علیه السلام)، ترجمه الخصائص الحسینیة، علیرضا

<sup>۱</sup> کرمی، نشر حاذق، ج اول، ۱۳۷۴

## مقایسه بلای پیامبران و بلای سیدالشهدا (علیهم السلام)

47. در وداع آخر، حضرت زینب کبری چون

برادرش را تشنه و غریب و بی کس دید، عرض

کرد: ای برادر، بلای تو شدیدتر است یا بلای انبیا؟

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ای خواهر، از این سوال

درگذر.

زینب کبری اصرار کرد که میخوام بدانم

!سید مظلومان گریست و فرمود: ای خواهر

آدم صفیّ الله بعد از خروج از بهشت از فراق حوّا

گریست، در حالی که حوّا را آلمی نبود (درد و

رنجی نداشت)؛ اما عیال مرا بعد از کشته شدن من از  
خیمه-ها بیرون می-آورند و به اسیری می-برند

نوح نجی الله، بدنش را سنگ باران کردند، جبریل  
پر و بال خود را به بدن او مالید که اثر سنگ معلوم  
نباشد؛ اما بدن مرا بنی امیه تیرباران می-کنند و به  
همین اکتفا نمی-کنند، بلکه اسب بر بدن من بتازند

ابراهیم خلیل الله را وقتی در آتش انداختند، آتش بر  
او گلستان شد و بدن خلیل را اذیت نرسانید. اما در  
همین روز با آتش تیر و نیزه و شمشیرهای بنی امیه  
بدن برادرت را پاره پاره کنند

یونس پیغمبر را وقتی از شکم ماهی بیرون آوردند،  
درخت کدویی لب دریا سبز شد و به روی بدن او  
سایه انداخت و آفتاب بدن او را اذیت نکرد؛ اما بدن  
مرا بعد از شهادت، سه روز برهنه زیر آفتاب می-  
اندازند و کسی مرا غسل نمی-دهد و کفن نمی-  
کند.

یعقوب نبی، بعد از فراق یوسف و نابینا شدن، به  
وصل یوسف رسید و دیده-اش روشن شد و به تاج  
و تخت فرزندش رسید؛ اما من علی اکبرم را با بدن  
پاره پاره روی خاک گرم کربلا می-بینم

قوم صالح پیغمبر وقتی خواستند ناقه را پی کنند،  
گذاشتند که با طفلش آب بیاشامد و بعد او را پی

کردند؛ اما مرا و طفلم علی اصغر را تشنه شهید  
خواهند کرد.

اسماعیل ذبیح الله را برایش از بهشت گوسفندی  
جهت قربانی کردن فرستادند و او را ذبیح الله  
نامیدند؛ اما کسی برای من قربانی نمی-آورد

جدم رسول خدا در جنگ احد، کفار قریش یک  
دندان او را شکستند؛ اما روزی می-آید که یزید (علیه  
اللعنه) چوب بر این لب و دندان می-زند

پدرم علی را یک ضربه زدند؛ و مرا یکهزار و صد  
و پنجاه ضربه و زخم می-زنند

برادرم حسن هنگام شهادت سرش در دامن من بود؛  
اما سر من گاهی بر روی خاک، گاهی بر سر نیزه،  
گاهی بر روی درخت خرما آویخته می-شود

زینب کبری عرض کرد: با این همه بلا ما را به که  
می-سپاری؟

حضرت فرمود: به خدا که "نعم الوکیل" است

:پس زینب کبری ناله-ای زد و افتاد و گفت

لَيْتَ الْمَوْتُ أَعْدَمَنِي الْحَيَاءُ قَبْلَكَ؛ کاش زینب پیش  
<sup>1</sup>از تو مرده بود و این احوال را مشاهده نمی-کرد

---

گریزهای مداحی صفحه 203 (به نقل از: انوار الشهادة صفحه 62) 1

جلوه های اهمیت دان امام حسین (علیه السلام) به  
نماز

48. امام حسین (علیه السلام) نماز را بر پا داشتند. اشهد  
انک قد اقامت الصلوه.

جلوه های اهمیت دادن امام حسین (علیه السلام) به نماز  
را تبیین می نمایم:

یکی غروب تاسوعا که حضرت متوجه شدند لشکر  
یزید قصد حمله دارند حضرت عباس (علیه السلام) را  
فرستادند که ان شب را به امام مهلت دهند و  
فرمودند::

---



ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَىٰ غَدَوَةٍ وَتَدْفَعَهُمْ عَنَّا الْعِشْيَةَ، لَعَلَّنَا نَصَلِّيَ  
لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي كُنْتُ أَحَبُّ الصَّلَاةِ لَهُ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ  
وَكَثْرَةِ الدُّعَاءِ وَالْإِسْتِغْفَارِ

نزدشان برو و امشب تا صبح را به تاخیر بیاندازند  
وانها را امشب از ما دور کنیم تا امشب برای  
خدایمان نماز بخوانیم و پیش خدا اسغفار نمایم و  
خدا می داند من چقدر نماز برای خدا را دوست  
دارم و همچنین دوست دارم تلاوت قران و دعا و  
اسغفار.

یکی اقامه نماز جماعت در ظهر عاشورا در مقابل  
تیرهای لشکر یزید که به شهادت دوتن از اصحاب با

وفای امام حسین (علیه السلام) منجر شد یکی سعید بن  
عبدالله و یکی زهیر .

نازم به قیام و قامت والایت . هنگامه عشق، چشم چون دریایت

خاموش در آن میانه غوغا کردی . نازم به نماز ظهر عاشورایت

هنگام اقامه ی نماز در ظهر عاشورا، **30** تیر به  
سوی حضرت رها شد، یعنی در برابر هر کلمه از  
حمد و رکوع و سجده تقریبا یک تیر به امام پرتاب  
شد.

یکی اینکه امام حسین (علیه السلام) خود شبها هزار  
رکعت نماز می خواندند. در این رابطه امام سجّاد  
(علیه السلام) نقل فرمود که حضرت اباعبدالله (علیه السلام)

همانند پدرش حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شب  
و روز هزار رکعت نماز می خواند.

یکی اینکه از زمان حرکت از مدینه تا کربلا حضرت  
موذن مخصوص به همراه داشتند که حجاج بن  
مسروق موذن امام حسین (علیه السلام) در هنگام اقامه نماز  
جماعت در طول این سفر، مواقع نماز اذان می  
گفتند.

یکی اینکه سخنرانی ها امام حسین در طول سفر از  
مدینه تا کربلا بعد از نماز بوده است.

تمام سخنان امام حسین (علیه السلام) از مکه تا کربلا  
در هر منزلی بعد از نماز بوده است.<sup>1</sup>

یکی اینکه صبح عاشورا حضرت امام حسین (علیه  
السلام) خود اذان و اقامه گفته و نماز صبح را با  
اصحابشان خواندند.

و هم چنین اذان ظهر را نیز حضرت اباعبدالله (علیه  
السلام) گفتند. (توجه به مستحبات در سخت‌ترین  
شرایط)

قابل توجه است که امام حسین (علیه السلام) در صبح روز  
عاشورا آخرین روز عمرش اقتدا به پدر بزرگوار

---

<sup>1</sup> سخنان امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا

خود کرده و همانگونه که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در  
صبح نوزدهم ماه مبارک رمضان خود اذان گفتند امام  
حسین (علیه السلام) هم در صبح عاشورا با داشتن مؤذن  
مخصوص خودشان اذان گفتند.

یکی رکوع و سجده طولانی آن حضرت.

حضرت مهدی (علیه السلام) فرمود: جدم حسین (علیه  
السلام) رکوع و سجودش طولانی بود.

علمدار امام حسین (علیه السلام) حضرت عباس (علیه  
السلام) نیز از اقامه کنندگان نماز بوده است.

اثر سجده در پیشانی حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

قاتل ابوالفضل (علیه السلام) در کوفه بر سر خود می زد و  
می گفت: جوان ماه رو را کشتم که میان دو  
چشمانش جای سجده بود<sup>1</sup>

زینب که پیام رسان قیام حسینی است نیز از اقامه  
کنندگان نماز بوده است.

برخی از پژوهشگران روایت کرده اند که حضرت  
زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «عمه ام زینب در تمام  
طول مسافرت از کوفه به شام نمازهای واجب و  
نوافلش را ایستاده می خواند و در یکی از منازل،  
دیدم نشسته می خواند، علت این کار را پرسیدم.

---

1 عنصر شجاعت نوشته کمره ای

پاسخ داد: به خاطر شدت گرسنگی و ضعف، سه شبانه روز است که دیگر نمی توانم ایستاده نماز بخوانم (زیرا حضرت غذای خود را بین کودکان تقسیم می کرد) به خاطر اینکه دشمن به هر کدام از ما، در شبانه روز فقط یک قرص نان می داد.»

در سایه قنوت تو راه نجات ماست

از آخرین نماز تو، دین خدا به پاست

اگر قرآن در آغاز بزرگ ترین سوره خود (بقره) می فرماید : «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»  
بقره/3 (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز به پا می دارند» همچنین در

کوچک ترین سوره خود (کوثر) از نماز، سخن به میان می آورد، امام حسین (علیه السلام) نیز آن را اقامه می کند؛ چنان که در زیارت عاشورا آمده: ((أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ)) شهادت می دهم که تو نماز «را بر پا نمودی

اگر قرآن می فرماید: «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»؛ و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید»، سیدالشهداء (علیه السلام) نماز را با جماعت، آن هم در برابر صفوف دشمن برگزار می کند.

اگر قرآن اقامه نماز در میدان جنگ را به پیامبر این گونه می آموزد و می فرماید: «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ



فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ ... 'و  
هنگامی که در میان آنها باشی و (در میدان جنگ)  
برای آنها نماز را بر پا کنی ، باید دسته ای از آنها با  
تو (به نماز) برخیزند و ... «، امام حسین (علیه السلام) در  
میدان جنگ نماز را اقامه می فرماید: اگر قرآن نماز  
را به عنوان منبع انرژی زای غیبی معرفی و مؤمنان را  
امر به استعانت از آن می فرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ  
الصَّلَاةِ<sup>۱</sup> از صبر (و استقامت ) و نماز کمک گیرید» ،  
سالار آزاد مردان و شهیدان نیز در بحبوحه جنگ و  
مشکلات آن ، از نماز استعانت می جوید

---

1نساء/102

2بقره/153

اگر قرآن اقامه نماز را در اول وقت سفارش می نماید: **اقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ**<sup>۱</sup>، امام حسین (علیه السلام) نماز عاشورا را در اول وقت، اقامه فرمودند

اگر حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) تا زمانی که نفس دارند، مأمور به اقامه نماز شده اند: **وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا**<sup>۲</sup>، امام حسین (علیه السلام) نیز تا آخرین لحظه، همراه نماز است

اگر قرآن از کسانی که تجارت، آنها را از نماز غافل نمی سازد، ستایش می کند: **رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ**

---

1 اسراء/78

2 مریم/31

لَا يَبْعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ<sup>۱</sup>، از امام حسین (علیه السلام) چه باید گفت که حتی حفظ جان هم او را . از نماز غافل نساخت

شاید از شدت اهتمام آن امام به اقامه نماز در اوج کارزار بود که تربت پاکش ، سبب قبولی نماز دانسته شد و این اوج منزلت ایشان را گواه است . در حدیث می خوانیم سه چیز موجب قبولی نماز است : حضور قلب، نماز نافله ، تربت سید الشهداء (علیه السلام)

نماز باید در جامعه ، علنی اقامه شود: وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ . بدین جهت امام حسین (علیه السلام) با آنکه می

توانست در خیمه نماز بخواند و با اینکه نمازش شکسته بود، در مقابل جمعیت نماز را به پاداشت . هنگام اقامه نماز در ظهر عاشورا 30 تیر به سوی حضرت رها شد؛ یعنی تقریباً در برابر هر کلمه از حمد و رکوع و سجده ، یک تیر به سوی امام پرتاب شد . به راستی نماز چیست که در عصر تاسوعا هنگامی که به سید الشهداء (علیه السلام) پیشنهاد حمله می شود ، آن حضرت پس از چند نوبت گفت و گو ، جنگ را یک روز به تأخیر می اندازند و می فرمایند : **إِنِّي أَحَبُّ الصَّلَاةِ** ؛ و فرمود: می خواهم نماز بخوانم؛ بلکه فرمود: « من نماز را دوست دارم ». بسیاری از ما نماز می خوانیم، ولی چقدر آن را دوست داریم ؟

زاره از امام صادق (علیه السلام) درباره کعبه پرسید که  
یا بن رسول الله! دهها سال است هرگاه درباره حج و  
کعبه از شما سؤال می کنم، پاسخ جدیدی می دهید.  
علم شما به کجا متصل است؟ امام فرمودند: « آیا می  
خواهی اسرار کعبه ای که هزاران سال قبل از آدم  
بوده ، با چند کلمه تمام شود؟! » این در حالی است  
که کعبه و تمامی اسرار و رموز آن که امام به آن  
اشاره فرمودند ، تنها قبله نماز است و قبله یکی از  
شرایط نماز

امام حسین (علیه السلام) راضی می شود تا بدن مبارکش،  
قطعه قطعه شود، ولی از نماز هیچ چیز فروگذار  
نشود. سر مقدس آن شهید دوران ساز بر سر نیزه

قرآن می خواند؛ یعنی سر از بدن جدا می شود ،  
ولی دل از قرآن جدا نمی شود<sup>۱</sup>

### آداب زیارت حرم حسینی

49.

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا  
می شود اول غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر  
زیارت. دوم ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه  
و مجادله در راه. سیم غسل برای زیارت هر امامی .  
چهارم طهارت از حدث کبری' و صغری'. پنجم  
پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو. ششم در وقت  
رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به

---

فروردین و اردیبهشت 1383، شماره 11      سروش وحی<sup>1</sup>

آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن. هفتم خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین (علیه السلام) {برای مردان}. هشتم در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد، دهان را معطر نمودن. نهم بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه می بیند ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه آنها شهادت می دهد در

وقت خواندن اذن دخول و تدبّر در محبّت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابیهای حال خود و خلافتها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حدّ که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصّان و دوستان ایشان رسیده که برگشتن آن به آزرده شدن ایشان است و اگر برآستی در خود نگرد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است. دهم بوسیدن عتبهٔ عالیّه و آستانهٔ مبارکه است. یازدهم مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد. دوازدهم رفتن به نزد ضریح مطهر بنحوی که بتواند خود را به آن بچسباند و توهم آنکه



دورایستادن ادبست و هم است زیرا که وارد شده  
تکیه کردن بر ضریح و بوسیدن آن. سیزدهم در وقت  
زیارت پشت به قبله و رو به قبرمنور ایستادن  
.چهاردهم ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر  
عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها .  
پانزدهم گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر. شانزدهم  
توجه به مقام امام (علیه السلام) پیش از شروع در  
خواندن زیارت. هفدهم بجا آوردن نماز زیارت و  
اقل آن دو رکعتست شیخ شهید فرموده که اگر  
زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره  
بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای  
سر بجا آورد و اگر بجا آورد آن دو رکعت را در  
مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است. هیجدهم

خواندن سورة يس<sup>۱</sup> در رکعت اول و سورة الرحمن  
در رکعت دوم در نماز زیارت. نوزدهم شیخ شهید؛  
فرموده که کسی که داخل حرم مطهر شود و ببیند  
که نماز جماعت منعقد شده است ابتدا به نماز کند  
پیش از آنکه زیارت کند و همچنین ترک کند زیارت  
را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شده. بیستم از  
جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد  
ضرّایح مطهره و هدیه کردن آنرا به روح مقدس  
مزور. بیست و یکم ترک نمودن سخنان ناشایسته و  
کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیوی که  
همیشه در هر جا مدموم و قبیح و مانع رزق و باعث  
قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره  
که خدای تعالی خبر می‌دهد از بزرگی و جلالت آنها

در سورة نُور. بیست و سیم وداع کردن امام (علیه السلام) را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور (زیارتهای وداع که اهل بیت سفارش کرده اند) یا به غیر آن. بیست و چهارم توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود پیش از زیارت. بیست و پنجم انفاق کردن به قدر میسور بر خادمان آستانه شریفه. بیست و ششم انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین عقیف ان منطقه ای که امام در انجا مدفون است. بیست و هفتم که از جمله آداب، تعجیل کردن در بیرون رفتن است (اگر زیارت تمام شد دیگر توقف نکند). بیست و هشتم در

سفر کربلا غذای لذیذ و خوشمزه نخورد مخصوصا  
قبل از واررد شدن به حرم.<sup>۱</sup>

**50. و در پایان باید گفت:**

**1. آب بی حسین تشنه ماند.**

**2. آدمهای از جنس حسین، بی حسین، دیگر**

**نماندند. 3. اشک بر حسین، ماتم برخود است. 4.**

**اشک حسینی، شورترین سرشک. 5. اصحاب، اگر**

**عمر جاوید می داشتند باز فدائیش بودند. 6. اصغر**

**مثل پدر، شش ماه در رحم دنیا ماند. 7. اکبر حسین،**

که رفت، حسین رفتن را آغاز کرد. **8.** اگر اشک

نبود، در اندوه حسین، دل تا آخر می سوخت. **9.** اگر

حسین نبود، چه بود؟! **10.** اگر عباس زنده می بود،

شرم او را می کشت. **11.** امیری حسین، نعم

الامیر. **12.** آنقدر حسین بی کس شد که بی سر

شد. **13.** آنگونه امام بر تو تکیه کند که بی تو

بگوید: کمرم بشکست. **14.** آیا کسی هست خود را

یاری کند؟! **15.** ایمان بی حسین، اسلام هم

نیست. **16.** اینبار نیز قرآن را بر نیزه کردند. **17.** با

حسین قاموس عشق، بیکران واژه یافت. **18.** با

حسین هر اصغری اکبر شد. **19**. بر دهانش چوب

زدند و شراب ریختند و او قرآن میخواند. **20**. برادر

حسین، تشنه بر دار رفت. **21**. برادر یعنی

عباس. **22**. برای سروری، سر باید داد. **23**. بی

اندوه حسین، هیچ سروری پایدار نیست. **24**. بی

حسین، حس بودن نیست. **25**. بی عشق حسین، هیچ

انسانی تکریم نشد. **26**. بی کرب و بلا، بکربلا هیچ

کس نرسید. **27**. پیامبر انگار گفته بود: تا می توانید

آزار دهید! **28**. تنهای تنها شده!، فرجام حسینی

بودن است. **29**. جان عقل را، شمر نفس

گرفت. **30.** جز حسین، همه لاف عشق زدند. **31.**

جَوْن، نماینده ما در کربلا. **32.** حرّ، نامی که در

کربلا معنی گرفت. **33.** حرف حسین: اشک بر

مظلوم، خشم بر ظالم. **34.** حسین همچنان کشته می

شود! **35.** حسین آنگونه رفت تا تو نیز آنگونه

روی. **36.** حسینِ بی زینب، قرآن صامت بود. **37.**

حسین تا آنجا بالا رفت که، تا، برنمی داشت. **38.**

حسین تشنه رفت تا تو سیراب شوی. **39.** حسین

خال آفرینش، یزید خلط خلقت. **40.** حسین خونِ

دل داد، زینب خونِ دل خورد. **41.** حسین در قتلگاه

آب خواست تا بگوید: دشمنم انسان نیست. **42.**

حسین را در ساحل رود، تشنه کشتند. **43.** حسین را

کشتند، تا رسالت بی مزد نماند!! **44.** حسین که بی

عباس برگشت، بعد رفت، و دیگر بر نگشت. **45.**

حسین نبود، بودن بود. **46.** حسین، معنای زنده

بدون را زنده کرد. **47.** حسینیان جان دادند و

یزیدیان جان کردند. **48.** حمد خدای را که مصیبت

زده حسینمان کرد. **49.** خاکِ کربلا، خاکی ترین

خاک. **50.** خدا بهشتِ خدائیان را از خاکِ کربلا می

سازد. **51.** دانا! از حسین چه می دانی؟! **52.** در



خرابه، پدر سر بر دامن دختر گذاشت. **53**. در

دجله، آلاله ها تشنه ماندند. **54**. در طفّ، دلها،

تفتیده گشت. **55**. در عاشورا هم نماز، بهترین کار

بود. **56**. در عاشورا، همه اوجها شکوفا شد. **57**.

در غروب عاشورا، خورشید، چه صبورانه خون

گریست. **58**. در کربلا، سرو عشق تا ابد سیراب

شد. **59**. در کربلا، کار بالا گرفت. **60**. در مسلخ،

گونه های حسین گل انداخته بود. **61**. در نینوی،

نی، بی نوا شد. **62**. رقیه، گنج خرابه شد. **63**.

زینب، در آخرین منزل حسین، سر بر خاک

گذاشت. **64.** ستاره ها در شام، خرابه را آسمان

کردند. **65.** سر حسین بر دامن مادرش بریده

شد. **66.** سر حسین هنوز سنگ می خورد. **67.**

سرچشمه کوثر، اشک بر حسین است. **68.** سردار

آن است که سرش بر دار است. **69.** سید شهیدان

شهادت داد که قاتلم، حیوان نیز نیست. **70.** شام،

شومترین جای زمین. **71.** شام، همچنان شام است و

تاریک. **72.** عاشورا روز نبود روزگار بود. **73.**

عاشورا: شعور، حماسه، عشق. **74.** عاشورا،

پرشورترین عیش بود. **75.** عاشورا، زینتِ زینب

شد. **76.** عاشورا، سکوت عقل است و فریاد

عشق. **77.** عباس، عبوس بر ستمکاری. **78.** عباس،

فلسفه بودنش را فدای حسین کرد! **79.** عباس، ماه

بنی آدم. **80.** علی فرزند حسین تا زنده بود

گریست. **81.** غروب، آینه خون خداست. **82.**

غنچه عشق، در کربلا باز شد. **83.** قاسم، شهد

شهادت مکید و کندوی عشق را عسل بخشید. **84.**

کاف، کربلا، «هیعص»، همه آنچه هست و

نیست. **85.** کربلا صبورترین سرزمین. **86.** کوفه

گریست و شام خندید و هردو تنها تماشا

کردند. **87.** گودی قتلگاه، برج فلک الافلاک

است. **88.** لعن بر یزید، خشم بر همه

زشتیهاست. **89.** الله اکبر، اکبر را هدیه حسین

کرد. **90.** ما أنقص ذکرُ الحسین للعیش. **91.** ما را

شفیع باش در «یوم الورد»، آنروز که فقط می

آیند. **92.** محرم ماه نبود خورشید بود. **93.** الها! از

اشک بر ماتمش، نهال عشق را سیراب کن! **94.**

هرکس از کربلا رفت یا به عمق دوزخ رفت یا بر بام

بهشت. **95.** هیچ کس جز بر خویش، ستم

نکرد. **96.** وفا یعنی ریختن آب بر آب! **97.** وقتی

تشنه می شوی بگو: سلام بر حسین! **98**. یاران

حسین یا با خون رفتند یا با اشک. **99**. یزید نبود،

نبودن بود. **100**. بر حسین تنها باید گریست، قلم

بشکن! لب فرو بند!

پایان

## منابع

العبقری الحسان، نهاوندی علی اکبر، تحقیق و  
تصحیح صادق برزگر بفرویی - حسین احمدی  
قمی، مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران  
**1388**

داستان‌های علوی - نویسنده: مهدی علوی  
ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق،  
مصحح، امینی، عبد الحسین، ص ۱۴۲ - 143، نجف  
اشرف، دار المرتضویه، چاپ اول، 1356ش؛ کامل  
الزیارات، ترجمه، ذهنی تهرانی، محمد جواد، ص  
469، تهران، پیام حق، چاپ اول، 1377ش

عارف کامل - تحقیق و تألیف: بنیاد علوم و معارف

اسلامی دانش پژوهان

داستانهای شگفت-شهید ایه الله دستغیب

صحیفه نور، ج 3،

اسرار حسن عاقبت و سوء عاقبت - میرزا حسن

ابوترابی

مستدرک الوسائل-ثقه الاسلام نوری

خصائص الزینبیه یا ویژگیهای حضرت زینب علیها السلام -

سید نورالدین جزایری

اشک روان بر امیر کاروان = دمع العین علی

خصائص الحسین علیہ السلام: ترجمہ الخصایص

الحسینیہ / جعفر شوشتری مترجم محمد حسین

شہرستانی

• مشخصات نشر: قم دار الکتاب 1374

خاطرات فقیہ اخلاقی، احمدی میانجی

عیون اخبار الرضا - ابن بابویہ، محمد بن علی،

311-381ق

بحار الأنوار - علامہ مجلسی

ستارہ ی درخشان شام - زندگی حضرت رقیہ (س)

نویسنده ربانی خلخالی



اختصاص شیخ مفید - تہیہ و تنظیم: عباسعلی مردی

موسوعۂ کلمات الامام الحسین - المؤلف: معہد

تحقیقات باقر العلوم علیہ السلام

جلاء العیون - علامہ مجلسی

در محضر لاهوتیان آقای مجاہدی

مفاتیح الجنان - شیخ عباس قمی

فرہنگ سخنان امام حسین علیہ السلام - گروہ

حدیث پژوهشکدہ باقر العلوم , ترجمہ: علی مؤیدی

معانی الاخبار، صدوق، مصصح: غفاری، علی

اکبر مترجم: محمدی شاهرودی، عبدالعلیناشر: دار

الکتب الاسلامیه محل نشر: تهران

ناسخ التواریخ، تألیف محمدتقی سپهر کاشانی

مقاتل الطالبین - علی بن حسین بن محمد، معروف به

ابو الفرج اصفهانی

اعیان الشیعه - تألیف سید محسن امین عاملی

وقایع الایام خیابانی - محقق: الوان ساز خویی،

محمدناشر: غرفه الإسلام محل نشر: قم

محن الابرار (ترجمه جلد دهم بحار)، مترجم آیت الله

هشترودی تبریزی

کشف الغمه ، نوشته ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی

الفتح اربلی

الدار المنفصود، گلپایگانی، محمدرضا مقرر: کریمی

جهرمی، علی. ناشر: دار القرآن الکریم محل نشر: قم

نفس المهموم - نوشته شیخ عباس

مقتل خوارزمی ، چاپ نجف - با مقدمه و تحقیق

شیخ محمد سماوی

ارشاد القلوب - دیلمی.

امالی صدوق - مترجم: کمره ای، محمد باقر ناشر

: کتابچی محل نشر: تهران سال نشر: ۱۳۷۶

ثواب الأعمال - شیخ صدوق - مترجم: انصاری  
محلاتی، محمدرضا ناشر: نسیم کوثر محل نشر: قم -  
... ایران سال نشر: ۱۳۸۲

شمع جمع - اثر طبع توانای شاعر فقید فتح الله قدسی  
کرمانی متخلص فوآد. ناشر: شرکت سهامی طبع  
کتاب تهران

خصائص الحسینیہ - شیخ جعفر شوشتری  
ویژگیهای امام حسین علیه السلام، ترجمه الخصائص  
الحسینیة، علیرضا کرمی، نشر حاذق، ج اول، 1374  
گریزهای مداحی - نویسنده: علی اکبر لطیفیان

سروش وحی-فروردین و اردیبهشت 1383، شماره

11

داستانهایی از زندگی علما-مولف

سید علی قاضی و شاگردانش-مولف

<http://vista.ir/news/22386496>

<http://sarallah.valiasr-aj.com/include/VIEW.php?bankname=LIBLIST&RADIF=0000003546>

[/maarefedini.persianblog.ir/post/65/](http://maarefedini.persianblog.ir/post/65/)

<sup>1</sup> <http://shohadayekan.ir/post/tag/>

<http://jafarmojtahedi.blogfa.com/post-55.aspx>

<sup>1</sup> <http://shia-patogh.blogfa.com/post/2491>

[www.imam-khomeini.ir/fa/n3518](http://www.imam-khomeini.ir/fa/n3518)

[/امام\\_خمینی\\_و\\_عزاداری\\_امام\\_حسین\\_ع\\_](http://www.mashregnews.ir/fa/news/18349)

[www.mashregnews.ir/fa/news/18349](http://www.mashregnews.ir/fa/news/18349)

2/

[www.hawzah.net/fa/article/view/6510](http://www.hawzah.net/fa/article/view/6510)

1

1

<http://babolharam.mihanblog.com/post/3885>

بکابر سیدالشہداء ع - [blog21.kowsarblog.ir](http://blog21.kowsarblog.ir)

مجلس



## فهرست

امام زمان (علیه السلام) جواب سوال بحر العلوم

را داد....6

راه رسیدن به خدا از کجا می گذرد؟.....12

چرا مومنین را به طرف بهشت می کشانند؟...13

شب بیست و یکم و شب بیست و سوم چکار

می کردی؟..15

داستان مردی که به زیارت امام حسین علیه

السلام نمی رفت..18



امام هادی (علیه السلام) برای شفای بیماری خود  
فرمود بروید کربلا برایم دعا کنید!...22

حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند...24

قداست زمین کربلا...27

اینجا وزارت فرهنگ است...28

دامنه کوه الوند....30

مستشرق آلمانی از عزاداری بر حسین (علیه  
السلام) تعجب می کند...32

سلام بر حسین (علیه السلام) قبل نماز..34

قیام حسینی در بیانات امام خمینی...35

مرد ناصبی شیعه شد..38

خلیعی شاعر راهزنی ناصبی که شاعر اهل بیت  
شد..42

زیارت کربلا آرزوی همه پیامبران...48

راز عزاداری حسینی از اول ماه محرم از زبان  
امام\_صادق علیه السلام..49

مجالس حسینی بالاتر از حرم حسینی..51

نزدیک بود کور شوم..55

مرثیه امام زمان (علیه السلام) در مصیبت  
جدش..56

انسان می تواند خودش به تنهایی بنشیند گریه  
کند...61

ماجرای قربانی دادن حضرت ابراهیم (علیه  
السلام).....63

قالب\_تهی\_کردن در اثر مصیبت امام حسین  
(علیه السلام)...69

نتیجه سیاه پوشیدن برای آقا امام حسین (علیه  
السلام)...70

معجزه حضرت رقیه (س)...76

بهترین دارو و درمان..78

چرا مصیبت امام حسین (علیه السلام) بزرگترین  
مصیبت است؟!...82

عنایت آقا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) به

مرحوم کافی...86

عزاداری عجیب سلیمان طباطبائی نائینی..90

بیهوش شدن سیدمیرحامد حسین صاحب

«عبقات الانوار»...91

شعارهای عاشورا...92

امام سجاد (علیه السلام) در بازگشت به مدینه چه

فرمودند؟...102

عجب گریه کننده ای!...105

ماجرای مسلمان و شیعه شدن ۱۵۰ سیاهپوست در

یک مجلس روضه...119

چه موقع امام حسین (علیه السلام) را زیارت  
کنیم؟...122

چند مطلب مهم درباره تربت حسینی ...124

حضرت امام و عزاداری حسینی..139

درس صبر از حماسه حسینی...147

پیامبران بزرگ و زمین مقدس کربلا...143

خبر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

از شهادت امام حسین (علیه السلام)...172

ایه الله بهجت و عزاداری حسینی...174

می گویند اگر امام حسین (علیه السلام) روز  
عاشورا پیروز شد چرا آن روز را جشن نمی  
گیریم؟..185

شرکت امام زمان علیه السلام در عزاداری  
سید الشهداء (علیه السلام)...206

پیوند بین امام حسین (علیه السلام) و امام  
زمان (علیه السلام)..208

چهار عضو سیدالشهداء (علیه السلام) از کار  
افتاد...218

درباره شیخ جعفر شوشتری...222

مقایسه بلای پیامبران و بلای سیدالشهدا (علیهم  
السلام)...227

جلوه های اهمیت دان امام حسین (علیه السلام)  
به نماز...232

آداب زیارت حرم امام حسین علیه السلام 246  
و در آخر باید گفت...252

منابع...262